



انترناسیونال ۴۸۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



hekmat.public-archive.net

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۲ دی ۱۳۹۱، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

کارگران زیر بار تصمیمات شورای عالی کار نخواهند رفت

شورای عالی کار جمهوری اسلامی چیزی جز بساط
یک سیرک مسخره که هر سال بر پا میشود نیست.

صنفي "کارگران" ایران در گفتگو با
خبرگزاری مهر از این سخن
میگوید که در یکسال گذشته
متوسط هزینه سبد معیشت خانوار
۶۲ درصد افزایش داشته است.

ادامه صفحه ۲

اسلامی و دست اندرکاران "کانون
عالی انجمن های صنفي کارگران"
تحت عنوان نمایندگان کارگری
است. در گزارش مربوط به یکی از
این نشستها ابوالفضل فتح اللهی
نایب رئیس کانون عالی انجمن های

شهلا دانشفر

خبرها حاکی از نشست های اولیه
برای به راه انداختن این بازی
مسخره توسط نمایندگان دولت و
کارفرمایان و نیز مزدوران شورای

این فقط گوشه کوچکی از قدرت ما است!

درونی اش میگوید، اشک ریخت
و قلبش با قلب این انسان عزیز و
جوان گره خورد.



مینا احدی

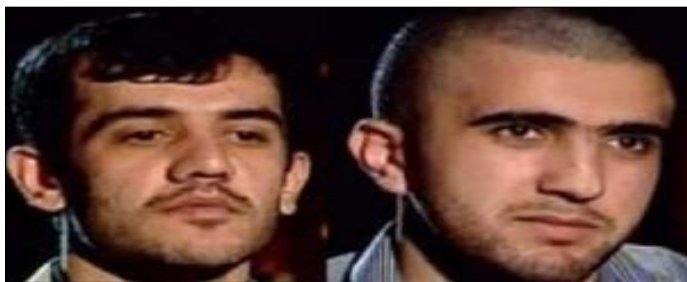
زانیار حتی اگر مرتکب
جرمی هم شده باشد، فقط این
چند سال زندگی در زندان و
بازداشتگاه حکومت اسلامی و
فقط همین سه سال رفتار
وحشیانه با وی کافی است تا همه
ما سند محکومیت این حکومت
جانی و خونریز را صادر کنیم. در
کجای دنیا بچه ۱۷ ساله را اسیر
میکنند و نه ماه او را در سلول
انفرادی میگذارند، او را وحشیانه
کتک میزنند اجازه ملاقات با
خانواده و پدر مادرش را نمیدهند
و در نهایت مجبورش میکنند
بدون وکیل و بدون آمادگی در یک

پخش يك دردنامه از درون زندان
رجایی شهر، حرفهای دل يك
زندانی جوان ۲۱ ساله که از ۱۷
سالگی اسیر دست حکومت
بیرحم و انسان ستیز اسلامی شده،
جوانی که در بیش از سه سال
اسارتش از جانپان چیزی جز بی
حرمتی و شکنجه و آزار و اذیت
ندیده، دنیا را به نوعی تکان داد.
هر کس شنید که زانیار به
آنها از ترس و از احساسات عمیق

ادامه صفحه ۴

در حمایت از فراخوان خانواده های زانیار و لقمان مرادی اعتصاب عمومی روز شنبه ۲۳ دی ماه نگذاریم زانیار و لقمان مرادی را اعدام کنند!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



صفحه ۶

لیست آکسیون های درخارج کشور در اعتراض به حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی

صفحه ۱۶

"دختر هند" و طغیان علیه بردگی!

صفحه ۷

مصطفی صابر

صفحات دیگر

رضا شهابی نباید به زندان برگردد

اصغر کریمی

ملاله با لبخند از بیمارستان مرخص شد

کاظم نیکخواه

"استخدامهای احمدی نژادی"

محمد شکوهی

ناسیونالیسم پونی

یاشار سهندی

نبش قبر امر به معروف

فرح صبری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران زیر بار تصمیمات شورایعی کار نخواهند رفت



شلا دانشفر

از صفحه ۱

سپس از این خبر میدهد که در بررسی نرخ سبد هزینه یک خانوار ۴ نفره در نشست هایشان به رقم یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده اند. همچنین از مباحثی که در همین نشست ها در باره افزایش صد در صدی حداقل دستمزد ۹۲ کارگران و مشمولان قانون کار جمهوری اسلامی صورت گرفته است سخن میگوید. دست آخر او بیشرمانه آس خود را رو کرده و خاطر نشان میکند که ظاهراً همه نمایندگان "جامعه کارگری" در این نشست ها به این نتیجه رسیده اند که این سطح از افزایش نه تنها نمیتواند اجرایی باشد، بلکه مورد درخواست کارگران نیز نیست! بدین ترتیب او آب پاکی بر روی دست همه کارگران و کل جامعه ریخته و در ادامه سخنانش از روی توطئه ای که امسال نیز در قبال سطح زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه در شورایعی عالی کارشان در جریان است پرده برداشته و از احتمال افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی حداقل دستمزدها در سال آینده سخن میگوید. دست آخر نیز او وقیحانه همه تاکیدش بر این است که دو برابر شدن یکباره حداقل دستمزد میتواند منجر به تعدیل نیرو و فشار زیادی به کارفرمایان باشد و برخواست رشد "منطقی و قابل اجرای" دستمزدها انگشت میگذارد. سرانجام همه این حرفها نیز این میشود که گویا

در میانشان بحث بر سر تعیین ۴۶۷۶۴۰ تومانی دستمزد است. البته همانجا برای اینکه راه گریزی نیز در برابر اعتراض کارگران باقی گذاشته باشد، اشاره مبهمی نیز به "بسته های حمایتی" دولت در زمینه کاهش اختلاف بین دستمزد و هزینه های واقعی که لازم است طراحی شود میکند. این ماجرای گفتمان های شورایعی کار جمهوری اسلامی بر سر تعیین حداقل دستمزد سال آتی و توطئه آنان بر سر تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگر و کل جامعه است. مثل بازار برده فروشی یک مشت دزد و میلیاردر نشسته اند و میخواهند از بالای سر کارگر برای قیمت فروش نیروی کارش نرخ تعیین کنند. چماق بیکاری را نیز روی سر کارگر گرفته اند و میگویند که اگر زیادی حرفی بزند عاقبتش اخراج است. همه تلاششان هم اینست که همچنان بار بحرانشان را روی گرده کارگر و توده های محروم جامعه نگاهدارند، تا سود کارفرمایان و سرمایه هایشان تامین باشد. حرفشان نیز آشکارا به کارگر و به مردم اینست که حتی اگر قیمت ها صد در صد نیز افزایش یافته است، کارگر باید به این بردگی و به این دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر تن دهد تا چرخهای نظامشان بچرخد. بدین ترتیب است که دارند حکم به نابودی و تباهی زندگی و معیشت توده میلیونی کارگران و کل جامعه میدهند.

به روشنی دید. باید بساط همه این مزدوران و عوامل جاسوسی رژیم در محیط های کار را کوتاه کرد. این اولین خواست کارگران است. واقعیت اینست که سال جاری بطور واقعی سال اعتراضات گسترده بر سر خواست افزایش دستمزدها بوده است. در برابر فقر و فلاکت بیسابقه ای که به جامعه تحمیل شده است، جامعه به مرز انفجار رسیده است و سایه سنگین فضای اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه را در همین مذاکرات و اظهارات میتوان دید. همه میدانیم که سبد هزینه کارگران برای جانیان اسلامی چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر و فروش کلیه و محروم بودن کودکان بیشتر از چرخه تحویل و ادامه این شرایط برده وار امروز نیست. اما نگاهی به همین گفته های جناب فتوحی الهی نشان میدهد که چگونه در بحث های پشت درهای بسته شان به سر هم کوبیده اند، از خواستهای کارگران و افزایش صد در صدی دستمزدها سخن گفته اند و با زدن صدها قلم از سبد هزینه کارگر بالاخره به رقم یک میلیون و ششصد هزار تومان بعنوان خط فقر رسیده اند. ولی در مقابل کارگران کمر بندهایشان را سفت بسته و با گستاخی تمام دارند از احتمال تعیین حداقل مزد ۴۶۷۶۴۰ تومانی سخن میگویند. البته میدانیم که همه اینها هنوز بازار گرمی است تا نبض اوضاع دستشان بیاید.

از جمله در خبر دیگری در روزنامه مهر از قول علی اکبر عیوضی رئیس کمیته تخصصی مزد کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران میشنویم که این جنابان تحت عنوان "نمایندگان کارگران" طرح جدیدی را به شورایعی کار داده اند که به قول خودشان قرار است در مورد دستمزد و سطح زندگی ده میلیون

خانواده کارگری بنشینند و تصمیم گیرند. طرحشان اینست که برای سال آتی میزان حداقل دستمزد کارگر یک میلیون و صد هزار تومان تعیین شود و شورایعی کار بررسی کند که چه میزان از این میزان را کارفرمایان باید بپردازند و باقی آن بصورت یارانه از سوی دولت پرداخت گردد. این سخنان در واقع همان طرح "بسته های حمایتی" دولت است که جلوتر فتح الهی نایب رئیس "کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران" به آن اشاره کرده بود.

طرح چنین پیشنهادهایی از طرف پادوهای شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی در شورای عالی کار بطور واقعی یک رندی آخوندی برای غالب کردن دوباره دستمزدی چندین برابر زیر خط فقر و در حدود ۴۶۰۰۰۰ تومان است که بالاتر اشاره کردم و برای اینکار ظاهراً چراغ سبز کارفرمایان را نیز گرفته اند.

جالب اینجاست که اینها زیر فشار اعتراضات کارگران و از ترس اوجگیری اعتراضات گسترده کارگری، با طرح یک میلیون و صد هزار دستمزد و قبول پرداخت بخشی از سوی کارفرما و محمول کردن بخشی دیگرش به یارانه دولتی به میدان آمده اند. اگر چه که دو سال پیش کارگران با بیانیه هایشان و با اعلام اینکه حتی دو میلیون تومان دستمزد نیز کفاف زندگی ما را نخواهد کرد، پاسخ این جانیان را داده اند.

دست شوراهای اسلامی و تشکلات دولت ساخته ای چون کانون عالی انجمن های صنفی برای کارگران رو است. شورایعی کار و پادوهای شوراهای اسلامی کار قبلاً نیز با هیاهو برپا کردن بر سر اینکه قرار است بخشی از دستمزد کارگران بصورت بن های کارگری و پرداخت غیر نقدی پرداخت شود، کوشیدند بر روی خواست مستقیم افزایش دستمزدها خاک بپاشند و عملاً دیدیم که چیزی نصیب کارگر نشد. امسال

نیز تلاش اینها اینست که با حواله دادن بخشی از دستمزد کارگر به پرداخت یارانه از سوی دولت همین تشتت را در صف مبارزه کارگران برای خواست افزایش فوری دستمزدها ایجاد کنند. کارگران اینرا نمی پذیرند.

کارگران کل این بساط شورایعی کار و این بازار مکاره ای که جانیان اسلامی بر پا کرده اند را قبول ندارند. کارگران به این بردگی تن نمیدهند و شورایعی کار برای آنان هیچگاه مرجعیتی نداشته و مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها همواره یک عرصه مهم مبارزه کارگران بوده است.

تعیین حداقل دستمزدها میبایست توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران تعیین شود و این حق کارگران است که در مورد تعیین نرخ دستمزدشان خود تصمیم بگیرند. از جمله همین امروز نیز خواست تعیین دستمزدها با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی یک محور مهم طومار سی هزار کارگر برای خواست افزایش دستمزدها است. کارگران اعلام کرده اند که دیگر به دستمزدهای زیر خط فقر تن نخواهند داد. کارگران خواهان یک زندگی انسانی هستند.

همانطور که قیمت کالاهای دیگر در جامعه افزایش می یابد، دستمزد کارگر نیز باید اتومات و متناسب با رشد آن افزایش یابد. نرخ تورم و یا نرخ سبد هزینه کارگر نه آن نرخ است که هر سال از صندوق جعل و تقلب بانک مرکزی بیرون کشیده میشود و یا جنابان شورایعی کار در تفحصاتشان به آن رسیده اند، بلکه نرخ است که بیان کننده قیمت واقعی اجناس و رشد آنها در بازار است. نرخ است که از سوی مراجع منتخب مراجع عمومی خود کارگران تعیین

ادامه صفحه ۹

به همسن و سالهای خودم در سراسر جهان! از فکر کردن به مرگ بیزارم، نمی خواهم با آرزوهایم به زیر خاک بروم!



شنیدن اخبار اعتراضات شما همسن و سالهای خودم هستم. زانیار مرادی - زندان رجایی شهر کرج
۴ ژانویه ۲۰۱۳

اسلامی ایران ببیند که ما تنه‌ا نیستیم و دنیا به این حکم ظالمانه اعتراض دارد. صدای اعتراض شما و هر حرکت و اعتراضی که بکنید به گوش ما فوراً میرسد. منتظر

اگر حرفهایی که آنها میخواهند را نزنیم، به ما تجاوز میکنند و ما نامه‌هایی را که آنها آوردند امضا کردیم. و اکنون در یک قدمی مرگ با طناب دار در خیابانی در تهران و یا میروان شهر محل تولد ما ایستاده‌ایم. این روزها شنیدیم که دارند مقدمات اجرای حکم اعدام ما را فراهم میکنند و چهار روز است که حالم خوب نیست، شبها خواب نمیبرد و فکر کردم شاید با این نامه بتوانم بخودم کمک کنم. نگذارید ما را اعدام کنند. بهر طریقی که میتوانید، سعی کنید از ابتکارات جوانانه استفاده کنید و کاری کنید که حکومت

اینترنتی به گوش شما میرسد. پس فقط چند دقیقه صبر کنید، چند ثانیه وقت بگذارید و از من بشنوید که چقدر سخت است در بیست و یک سالگی با مرگ مواجه شدن، با کابوس مرگ زندگی کردن و هر لحظه از صدای پای زندانبانان ترسیدن و بر خود لرزیدن! ما سه سال است که زندانی شده‌ایم. من زانیار مرادی و هم پرونده‌ای من لقمان مرادی، ۹ ماه را زیر شکنجه بودیم. ما را چنان کتک میزدند که دیگر توان راه رفتن نداشتیم و همین امروز نیز کمرم بشدت درد میکند و دو مهره کمرم شکستگی دارد. به ما گفتند

نامه زانیار مرادی از زندان رجایی شهر کرج
من اسمم زانیار مرادی است. الان از سلول مرگی در آن سوی دنیا در شهر کرج در کشور ایران نشسته و میخواهم با شما جوانان در اروپا و امریکا، با شما جوانان همسن و سال خودم در ژاپن و استرالیا و فرانسه و افریقا و در همه جای دنیا حرف بزنم. نگذارید مرا اعدام کنند! آیا دنیا آنقدر بیرحم است که این صحنه را تماشا کند که من و پسر عموم در خیابان اعدام شویم و چیزی نگوید و کاری نکند؟ میدانم که این ترس من و این درخواستم از طریق امکانات

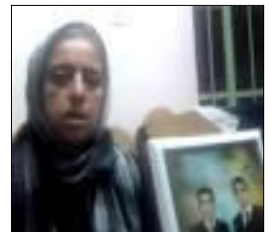
پیام مادر زانیار مرادی به نهادها و سازمانهای سیاسی برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام فرزندش

نوشته شده، با زندانیان رفتار کنند. بی شک من بعنوان یک مادر که فرزندم به ناحق متهم به اعمال نکرده‌ای شده و حکم اعدام علیه او صادر شده است، از مردم کشورم و فعالین جریانات و تشکلهای مختلف میخواهم همصدا و متحدانه علیه مجازات اعدام و بی احترامی ای که حاکمان علیه زندانیان انجام میدهند به میدان بیایند و از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان حمایت کنند. به امید آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام آمینه قادری مادر زندانی سیاسی (محکوم به اعدام (زانیار مرادی) ۶ ژانویه ۲۰۱۳

بدلیل فعالیتهای سیاسی افراد خانواده اش دستگیر و مجازات میشود نه بدلیل اتهامی که براساس یک سناریوی ساختگی برایش درست کرده اند. در اینجا به مناسبت روز جهانی علیه اعدام، خواهان ممنوعیت مجازات اعدام در همه جا و آزادی همه زندانیان سیاسی و مدنی هستیم. از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و جامعه مدنی و جریانات سیاسی کردستان میخواهم علیه حاکمان ایران و دستگاه قضایی آن اعمال فشار کنند. تا حداقل بشیوه عادلانه و بر اساس قوانین شناخته شده بین المللی حقوق انسانی و قوانینی که در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی

در زیر شکنجه و تهدید ناچار شده اند تن به امضا گفته‌های بازجویان بدهند. آنها زیر شکنجه به جرایمی اعتراف کرده اند که هرگز انجام نداده بودند. بعدا زانیار و لقمان در چند نامه که از زندان به بیرون ارسال شده است تاکید کرده اند که در زیر شکنجه ناچار به اعتراف شده اند. اعتراف به جرایمی که هیچ ربطی به آن نداشته اند. هم بندی‌های آنها هم در نامه ای تاکید کرده اند که زانیار و لقمان به اعمالی متهم شده اند که ساختگی و غیر واقعی است و در نهایت بی عدالتی مجازات اعدام بر علیه آنها صادر شده است. این آشکار است که زانیار

هیچوقت ارتباطی با اسلحه و کار با اسلحه نداشته است. علیرغم اینکه این اتفاق که زانیار به اتهام ارتکاب به آن دستگیر شده و بعدا حکم اعدام با همان اتهام علیه او صادر داده شده است، برای اغلب مردم و حتی بخشی از مسئولین حکومتی و وابستگان خانواده مقتولین، نیز روشن است که این حکم و این پرونده واقعی نیست. کسانی که از این حکم حمایت میکنند، نیز میدانند که مسئولین قضایی حاضر نشده اند بطور جدی این پرونده و احکام منتج از آنرا بازبینی کنند. زانیار و لقمان بطور وحشیانه ای شکنجه شده اند و تهدید به اعمال غیر انسانی شده اند. آنها



ترجمه فارسی پیام

من مادر زانیار مرادی هستم. از پشتیبانی و حمایت شما از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان تشکر میکنم. پسر من از طرف حاکمان بر ایران به اعدام محکوم شده است. مجازات اعدام در شرایطی علیه زانیار و دوستش لقمان ابلاغ شد که زانیار هنوز سنش به ۱۸ سال نرسیده بود. برخلاف اتهاماتی که علیه آنها اعلام کردند، زانیار

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

متن فراخوان خانواده های محکومین به اعدام (زانبار و لقمان مرادی) خطاب به مردم مریوان

کارگران، کسبه و بازاریان و عموم مردم مریوان و حومه دعوت میکنیم برای کمک به نجات جان زانبار و لقمان در یک حرکت دست جمعی و متحدانه روز شنبه ۲۳ دی ماه با دست کشیدن از کار و فعالیت کمک کنند جان عزیزان ما نجات یابد.

خانواده های زانبار و لقمان مرادی
مریوان

چهارشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۱

مردم آزاده مریوان و حومه! کمک کنید عزیزان ما اعدام نشوند!

همانگونه که میدانید فرزندان عزیز ما زانبار و لقمان مرادی در خطر اعدام شدن هستند. ما از فکر اینکه عزیزان ما اعدام شوند لحظه ای آرام و قرار نداریم. از دست دادن این دو جوان برای ما جبران ناپذیر است و بهمین دلیل از شما میخواهیم کمک کنید تا جان و زندگی این دو جوان را نجات دهیم. ما از دانشجویان، محصلین،

علیه اعدام

مردم!

به اعدام نه بگویید. به اعدام کنندگان نه بگویید. جلوی کشتار دولتی را بگیرید. ارادتی را که در کنار چوبه های دار عریده کشی میکنند طرد کنید! همچون مردم سیرجان چوبه های دار را باید بر سرشان خراب کرد! اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام ابزار قدرتمایی حکومت جنایتکاران سرمایه دار علیه خود شماست. ندیده ایم که هروقت میخواهند اعتراض و مبارزه کارگران و زنان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان را عقب برانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند؟

میگویند اعدام برای نجات جامعه از قتل و جنایت ضروری است. این يك دروغ بزرگ است. کدام جامعه تاکنون با اعدام و انتقام، از جنایت رها شده است؟ ریشه همه جنایتها خود حاکمیت ناعادلانه يك دسته مفتخور و دزد بر اکثریت جامعه است. ریشه جرم و جنایت و قتل حاکم شدن يك مشت قاتل و دزد بر اکثریت جامعه است. همین ریشه را باید خشکاند. برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

سایت حزب: www.wpiran.org

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

این فقط گوشه کوچکی از قدرت ما است!

از صفحه ۱

مجموعه ابتکارات و فعالیتهای برای نجات جان زانبار و لقمان هستیم.

در صدای زانبار این روزها امید و شادی موج میزند. چرا که می بیند در مقابل کثافت هایی که او را کتک میزدند و هیچ بارقه ای از امید در زندگیش نگذاشتند، جانباری که حتی او را تهدید به تجاوز جنسی کردند، صف محکمی از عموها و خاله ها و دوستان و آشنایان و انسانهای عزیز و مهربانی قرار دارند، که او را در آغوش گرفته و از امنیت و زندگی او و از شادی و حقوق انسانی او و لقمان دفاع میکنند. اینها اکثریت مردم ایران و دنیا هستند. اکثریت مردم، انسانهای آزاده و آزادیخواه فریاد او را شنیدند و با آغوش باز او را پذیرفتند. امروز هزاران قلب در سراسر جهان به یاد آنها می طپد و برای آزادی آنها تقلا میکند.

ما در این چند روز و با این کمپین می بینیم که چه قدرت بزرگی داریم وقتی دست در دست هم داده و متحدانه تلاش میکنیم. این فقط بخشی از نیروی متحد ما است. اگر بپا خیزیم و عزم جزم کنیم که بساط این حکومت جنایت و رذالت را درهم بپیچیم، مامورین و مزدوران و جلادان، به سوراخهایشان فرار خواهند کرد. شنبه در مریوان و در همه جا باید نشان دهیم که دیگر دوران اینکه فرزندان ما را در مراکز شهرها اعدام کنند، گذشته است. دیگر نمیگذاریم مشت جلا و خونریز اسلامی زندگی را بر همه جهنم کنند. با فریاد حکم اعدام زانبار و لقمان باید ملغی شود، زانبار و لقمان باید فوراً آزاد شوند، به خیابانها رفته و به جلاان اسلامی نشان میدهیم که اگر اراده کنیم و اگر دست به دست هم دهیم چه نیروی بزرگی هستیم. این فقط گوشه کوچکی از قدرت ما است!*

شده و عکس این دو جوان وسیعاً در دنیا پخش شده است.

دور جدید اعتراضات از چهار روز قبل شروع شد. کمپینی که با سرعت و وسعت پیش رفت و اکنون در ایران و در دنیا بسیاری با این پرونده و سرگذشت دو جوان اسیر حکومت اسلامی آشنا شده اند.

امروز که بدلیل اعتراضات جهانی موضوع به خانه های مردم ایران و کردستان و مریوان رفته، بسیاری از مردم در محل و در مریوان میگویند، پسر امام جمعه و محافظین او به دست باندهای حکومت اسلامی ترور شده اند، صحبت از جنگ و دعوی بین باندهای حکومتی است و اینکه حکومت برای سر و سامان دادن به این اوضاع قربانی لازم داشت و زانبار و لقمان را دستگیر کرده و با تهدید به تجاوز از آنها اقرار گرفت و قصد داشت با برپا کردن چوبه دار در مرکز شهر مریوان از همه منتقدین و مخالفین حکومت و حتی کسانی که حرف از پیگیری پرونده ترورها در مریوان میزدند، زهر چشم بگیرند.

از چند روز گذشته دور جدید اعتراضات با رفتن امام جمعه مریوان به تهران و زمینه سازی برای اجرای حکم، شروع شده، مردم در مریوان و کردستان و در کردستان عراق و در سطح بین المللی بپا خاسته و میخواهند متحدانه در مقابل این برنامه ریزی برای قتل عمد و کشتن جوانان بایستند.

خبر احتمال حکم اعدام زانبار و لقمان وسیعاً در رسانه های اجتماعی و رسانه های متعدد منعکس شده و بسیاری از نهادها و سازمانها و هزاران نفر علیه این احکام به پا خاسته و به میدان آمده اند. این يك کمپین زیبا و انسانی است. هر کس از هر امکانی که دارد، از هر ابتکاری که میتواند استفاده میکند و ما هر روز شاهد

دادگاه فرمایشی شرکت کند و حتی اجازه صحبت کردن به وکیل را که همان یکروز قبل از دادگاه معرفی به او کرده اند، را نیز نمیدهند. يك جلا و میرغضب خونریز اسلامی به اسم قاضی آنجا نشسته که تصمیمی از پیش گرفته شده، را به جمع ابلاغ میکند.

کجای دنیا چنین کاری را با يك نوجوان ۱۷ ساله میکنند و سپس او را به همراه هم پرونده ایش لقمان که او هم جوان ۲۱ ساله ای است، به اعدام محکوم میکنند. چندین بار این جوانان را تا پای چوبه دار میبرند و به راحتی در مورد اعدام با طناب دار در مرکز شهر مریوان با این جوانان حرف میزنند. آیا این مصداق بارز جنایت علیه بشریت نیست. کجای دنیا جوانان بی گناه را در سلول مرگ به گروگان گرفته و در مقابل ترس و وحشت این جوانان و کابوسهای آنان خم به ابرو نیاورده و "حکومت" میکنند.

در این مورد بویژه حکومت اسلامی ایران "نمونه" است. اعدام کودکان و نو جوانان و اعدام افراد به هر بهانه و دلیلی و تکیه دادن به چوبه دار برای ماندن و چاپیدن. آری این حکومت فاشیست اسلامی است که چنین میکند. در یکسال نزدیک به ۷۰۰ نفر را میکشد و اسم آنرا دفاع از امنیت و مقابله با قتل نام میگذارد.

پرونده زانبار و لقمان و پشت پرده سناریوی وزارت اطلاعات و باندهای تروریست اسلامی در مورد این دو جوان کم کم علنی شد و خود این جوانان و خانواده های آنها با سازمانهای علیه اعدام و نهادهای بین المللی تماس گرفته خواهان لغو این احکام ظالمانه شدند. اعتراضات به این احکام شروع شد. بارها در مورد این دو جوان در میتینگها و تظاهراتهای خارج از کشور صحبت

کمپین نجات زانیار و لقمان گسترده میشود

کمپین برای نجات لقمان و زانیار مرادی ابعاد توده ای وسیعی یافته است. در ایران و در خارج کشور، در کردستان عراق و در سطح بین المللی جنبش وسیعی براه افتاده است و مخالفین اعدام و مخالفین جمهوری اسلامی وسیعا به این کمپین پیوسته اند. در اینجا فشرده ای از فعالیت ها را به اطلاع میرسانیم:

- تعداد زیادی از مردم شریف مریوان به این کمپین پیوسته و فعالیت گسترده ای را در این شهر برای تعطیل روز شنبه ۲۳ دیماه شروع کرده اند. از جمله طبق گزارشاتی که از مریوان به ما رسیده است ملا مصطفی شیرزادی امام جمعه مریوان از طرف مردم این شهر تلفن باران شده است. مردم با او تماس میگیرند و خواهان این هستند که با اعدام زانیار و لقمان مخالفت کند و کنار رژیم نایستند.

کمپیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران نیز طی فراخوانی مردم شهر مریوان را به اعتصاب عمومی فراخوانده و فعالیت وسیعی را در این زمینه در دستور گذاشته است.

- پدر و مادر زانیار تاکنون با بیش از ۶۰ شبکه خبری و رسانه مصاحبه کرده و مردم را به کمک طلبیده اند. خانواده ها و دوستان زانیار و لقمان در مریوان فعالیت وسیعی برای اعتصاب عمومی انجام داده اند.

- ریچارد داوکینز آتئیست سرشناس بین المللی و منتقد مذهب کمپین نجات زانیار و لقمان را مورد حمایت قرار داده و با درج خبر احتمال اجرای حکم اعدام آنها در سایت خود و تویت کردن این خبر، به گسترش این خبر در میان هزاران نفر از مردم در سراسر جهان کمک میکند.

- در کردستان عراق فعالین مخالف اعدام و سازمانهای

سیاسی با برگزاری جلسات آمادگی خود را برای انجام میتینگ هایی در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۲ و ۱۳ ژانویه در مقابل پارلمان دولت محلی کردستان در سلیمانیه آماده میکنند. این حرکت که با حضور سازمانهای سیاسی متعددی همراه است بزودی با انتشار اطلاعیه و اسامی دعوت کنندگان به اطلاع عموم خواهد رسید.

۱۵ سازمان در کردستان به مردم فراخوان داده اند علیه اعدام زانیار و لقمان دست به اعتراض بزنند.

- مریم نمازی، مهوش علاسوندی و کیمیا پازوکی از طریق انتشار بیانیه، مصاحبه با رسانه ها و به اشکال مختلف ابعاد این کمپین را گسترش داده اند.

- کمپیته مبارزه برای زندانیان سیاسی از روز اول شروع کمپین با ارسال نامه زانیار به نهادهای متعدد و از جمله نمایندگان پارلمان اروپا خواهان اقدام فوری برای نجات لقمان و زانیار شد. پتیشنی نیز توسط این نهاد روی سایت ها قرار گرفته که بطور اتماتیک نسخه ای از هر نامه اعتراضی به پارلمان اروپا ارسال میشود. تاکنون صدها نفر این پتیشن را امضا کرده اند. شیوا محبوبی سخنگوی این کمپیته با کمیسیون حقوق بشر پارلمان تماس گرفته و خواهان عکس العمل به این موضوع شده است.

- ۳۴ نفر از فعالین سیاسی مریوان با انتشار يك اطلاعیه، از فراخوان خانواده های زانیار و لقمان و فراخوان به اعتصاب عمومی در مریوان در روز شنبه ۲۳ دیماه پشتیبانی کرده و مردم مریوان را به حمایت فعال از این اعتصاب فراخوانده اند.

- ۳۶ نفر از زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج با دادن بیانیه ای از قوه قضاییه حکومت اسلامی خواستند پرونده این دو جوان را مجددا بازگشایی کند و

حکم اعدام آنها را لغو کند.

- جمعی از زندانیان سیاسی در زندان مرکزی سنندج در بیانیه ای از مردم ایران و بخصوص مردم کردستان خواسته اند که آنها را "در مبارزه علیه استبداد تنها نگذارند و با اعتراض خود، اعدام فعالان سیاسی را محکوم کرده و به فراخوان این دو زندانی سیاسی و خانواده هایشان پاسخ مثبت داده و از اعدام دو انسان آزادیخواه، از اعدام زانیار و لقمان و تمامی فعالینی که در بند و منتظر اجرای حکم اعدام هستند جلوگیری کنند و به سران رژیم اعلام نمایند که فرزندان آنها در زندانها تنها نخواهند بود."

- تعدادی از سازمان ها، نهادها و فعالین سیاسی مخالف اعدام در سایت گزارشگران با دادن يك بیانیه خواهان لغو حکم اعدام زانیار و لقمان شدند.

- بیش از ۷۵۰ فعال سیاسی و مدنی و گروهی از خانواده های زندانیان سیاسی و نهادهای مدنی در کردستان با انتشار نامه سرگشاده ای خواهان توقف اجرای حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی شدند.

- رادیو و تلویزیونها، سایتها و رسانه های متعددی خبر این کمپین را پخش کرده اند. در ایران و در سطح بین المللی و در کردستان عراق این خبر در رسانه های مختلف پخش شده است.

- صدها نفر از فعالین مدیای اجتماعی هرروزه به پخش این خبر و حمایت از فراخوان نجات زانیار و لقمان مشغولند.

- تلویزیون کانال جدید سنگ تمام گذاشته و از چند روز قبل هرروزه برنامه پخش مستقیم خود را به این مساله اختصاص داده و مصاحبه های متعددی با پدر و مادر زانیار انجام داده است. روزهای جمعه و شنبه نیز این برنامه ها ادامه خواهد یافت.

بعلاوه روز جمعه علاوه بر برنامه لایو فارسی، برنامه لایوی نیز به زبان کردی در این مورد خواهد داشت. از شهرهای مختلف کردستان و بویژه مریوان خبر از انعکاس گسترده برنامه های کانال جدید میرسد.

- در ایتالیا شبکه تلویزیون (پی ان باکس) که قبلا گفتگویی با زانیار از زندان را مستقیما پخش کرده است، قرار است روز شنبه ۱۲ ژانویه نامه زانیار از زندان را به زبان ایتالیایی پخش کرده و با حضور طاهر جعفر زاده از کمپیته ندا دی برنامه ای در مورد زانیار و لقمان پخش کند.

- تا کنون در شهرهای فرانکفورت، کلن، اشتوتگارت، مونیخ و هامبورگ (آلمان)، استکهلم و یوتبوری و مالمو (سوئد)، استوانگر (نروژ)، آنکارا (ترکیه)، تورنتو (کانادا)، و همچنین در سلیمانیه عراق فراخوان به تظاهرات داده شده است. فراخوان های بیشتری در راه است.

- امنستی (سازمان عفو بین الملل) با دادن يك بیانیه ضمن مخالفت با اعدام زانیار و لقمان، اعلام کرد که باید پرونده زانیار و لقمان مجددا بررسی شود.

کمپیته بین المللی علیه اعدام تلاش گسترده ای را که توسط زندانیان سیاسی، خانواده ها و دوستان لقمان و زانیار و مخالفین مجازات شنیع اعدام در ایران و عراق و در سراسر جهان برای نجات لقمان و زانیار برافه افتاده است ارج مینهد و يك بار دیگر خواهان لغو حکم اعدام زانیار و لقمان شده و از همه مردم آزادیخواه و مخالفان آدمکشی دولتی میخواهد به

فعالیت برای نجات زانیار و لقمان اعتراض کنند. کمپیته بین المللی علیه اعدام اعلام میکند که زانیار و لقمان را باید از چنگ جانبدان اسلامی نجات دهیم. نباید اجازه دهیم کابوس اعدام بالای سر این دو جوان همچنان ادامه یابد. زانیار و لقمان باید فوراً آزاد شوند. این سران و دست اندر کاران حکومت پلید اسلامی هستند که باید بجرم ۳۴ سال جنایت سیستماتیک علیه مردم ایران مورد محاکمه قرار گیرند.

کمپیته بین المللی علیه اعدام از مردم مریوان مصرانه میخواهد که روز شنبه در اعتراض به حکم اعدام زانیار و لقمان دست از کار بکشند و با يك اعتصاب عمومی همه جانبه به نجات جان لقمان و زانیار کمک کنند.

کمپیته بین المللی علیه اعدام از مخالفین مجازات اعدام در سراسر جهان میخواهد که شعبه کمپیته علیه اعدام را در شهرها و کشورهای مختلف ایجاد کنند و با ما تماس بگیرند که بتوانیم شبکه گسترده ای را برای مقابله با اعدام ایجاد کنیم و نه تنها جلو اعدام زانیار و لقمان بلکه جلو کلیه اعدام ها را بگیریم و به این مجازات کثیف دولتی پایان دهیم.

کمپیته بین المللی علیه اعدام
۱۰ ژانویه ۲۰۱۳
۲۱ دیماه ۱۳۹۱
تلفن و آدرس تماس:

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0) 1775692413
http://
notonmoreexecution.org
http://
stopstoningnow.com/
wpress/

International Committee Against Stoning
(http://stopstoningnow.com)
International Committee Against Execution
(http://notonmoreexecution.org)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

در حمایت از فراخوان خانواده های زانیار و لقمان مرادی اعتصاب عمومی روز شنبه ۲۳ دی ماه نگذاریم زانیار و لقمان مرادی را اعدام کنند!

مردم آزاده مریوان و حومه! مردم کردستان!

همانگونه که اطلاع دارید، خانواده های نگران دو زندانی در آستانه اعدام شدن، زانیار و لقمان مرادی، در يك فراخوان از مردم آزادیخواه مریوان دعوت کرده اند که به يك حرکت اعتراضی دست زده و جان این دو جوان را نجات بدهند.

همه میدانیم که شهر مریوان تا همین امروز صدها انسان مبارز و برجسته و جوانان آزاده و فعال سیاسی را از دست داده است. از

فواد مصطفی سلطانی و برادرانش گرفته تا عطا رستمی و از حسین پیر خضران تا عبدالله نودینیان و صدها انسان مبارز دیگر به دست جلاخان حکومت اسلامی به قتل رسیده اند. جمهوری اسلامی از نسل جوان و منزجر از حکومت وحشت دارد و بهر طریق ممکن میکوشد این نسل جدید و مدرن و آزادیخواه را ساکت کند. توطئه علیه زانیار و لقمان مرادی و گروگان گرفتن آنها با هدف ترساندن جوانان و مردم است. ماشین آدم کشی رژیم اسلام

در ادامه کشتار مخالفین خود این بار میخواید این دو جوان را اعدام کند. اعدام قتل عمد دولتی، وحشیانه و غیر انسانی است. مردم مریوان و کردستان خوب میدانند که این رژیم چه زخم عمیقی بر دلهای بازماندگان هزاران عزیز اعدام شده بجا گذاشته است. شهرهای کردستان همواره سنگر اعتراض بوده است و این بار با مقابله با اعدام میتواند يك گام مهم دیگر جلو برود. این بار نیز باید تلاش کنیم بهر طریق ممکن به این حکم جنایتکارانه اعتراض

کنیم. تنها از این طریق است که میتوانیم جان این عزیزان را نجات دهیم و به حکومت اسلامی نشان دهیم که دیگر نمیگذاریم فرزندان عزیز ما را قربانی کند. مردم آزادیخواه کردستان!
از فراخوان خانواده های لقمان و زانیار حمایت کنید. قرار است روز شنبه ۲۳ دیماه در مریوان با تعطیل کردن کار و اعتصاب عمومی در شهر نشان دهیم که از این همه جنایت و اعدام بیزاریم و دیگر نمیگذاریم مادران و پدران و خانواده ها را بیش از این داغدار

کنند. ما از همه مردم کردستان، از کلیه احزاب و سازمانها و کانونهای دفاع از حقوق انسانی و مخالف اعدام، از کلیه فعالین سیاسی مخالف رژیم و از همه مردم شریف در سراسر کشور دعوت میکنیم در حمایت از فراخوان این خانواده ها به میدان بیایند و برای نجات زانیار و لقمان دست به حرکت اعتراضی در همه شهرهای کردستان بزنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

نگذارید زانیار و لقمان مرادی را اعدام کنند

زانیار و لقمان مرادی دو جوانی هستند که ماههاست به دست رژیم جنایتکار اسلامی شکنجه شده و با کابوس طناب دار روز و شب را سپری میکنند. اینبار مجدداً رژیم در تدارک اعدام این دو جوان است. رژیم نتوانسته تا حال زانیار و لقمان را شکست بدهد و این دو جوان در کمال شجاعت در حالی که در بدترین شرایط جسمی و روحی هستند از هر روزنه ای برای رساندن صدای اعتراض خود به دنیا استفاده کرده اند. زانیار مرادی نامه ای از زندان خطاب به مردم سراسر جهان فرستاده است و تقاضای کمک کرده است، به جوانان و مردم و آزادیخواه جهان فراخوان داده است که به جمهوری اسلامی نشان بدهند که زانیار و لقمان تنها نیستند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به محض مطلع شدن از این قصد رژیم در اجرا کردن اعدام زانیار و لقمان مرادی اقدامات زیر را به اجرا گذاشت:

- به محض دریافت زانیار

مرادی، نامه زانیار را به انگلیسی ترجمه کرده و همراه با يك نامه اعتراضی در اختیار سازمانهای جهانی، اتحادیه ها و لیست وسیعی از مردم قرار داد و از مردم درخواست کرد که نامه اعتراضی خود را سریعاً به پارلمان اروپا و به رژیم اسلامی در ایران بفرستند. این نامه ها به پارلمان اروپا و سران رژیم ارسال گردید.

- شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا تماس گرفته، نامه زانیار را به آنها ارسال کرده و از آنها خواست که سریعاً برای نجات جان زانیار اقدام نمایند. این کمیسیون در جواب اعلام کرد که با سفارت رژیم تماس گرفته است و به محض دریافت خبر به کمیته اطلاع خواهند داد.

- يك طومار اعتراضی آماده شد تا از این طریق مردم با امضاهای خود خواهان لغو حکم اعدام زانیار و لقمان شوند. این طومار همزمان به پارلمان اروپا و رژیم جمهوری اسلامی ارسال میشود. به ازای هر

يك نفری که طومار را امضا میکند يك نامه اعتراضی به پارلمان اروپا و مقامات رژیم میرود. این طومار را برای دوستان و آشنایان ارسال دارید و کمک کنید هزاران هزار نامه اعتراضی به رژیم و پارلمان اروپا ارسال شود.

- برنامه تلویزیونی زندانیان سیاسی که به صورت زنده در روز یکشنبه ۶ ژانویه پخش شد به وضعیت زانیار و لقمان اختصاص داده شد و با پدر زانیار مرادی مصاحبه شد. در این برنامه مردم پیام همبستگی خود را به خانواده مرادی و خشم خود را نسبت به حکم اعدام این دو جوان اعلام کردند. لازم به ذکر است که کانال جدید تاحال چندین برنامه زنده را در این چند روز اخیر به زانیار و لقمان مرادی اختصاص داده است.

- فیس بوك کمیته این چند روز را به وضعیت زانیار و لقمان مرادی و منعکس کردن نامه ها و اخبار این دو زندانی اختصاص داده است. شما میتوانید پیام همبستگی خود را برای خانواده زانیار و لقمان

برای فیس بوك ما ارسال دارید. خانواده زانیار و لقمان به مردم فراخوان داده اند که در روز شنبه ۲۳ دی ماه در اعتراض به احکام اعدام زانیار و لقمان دست از کار بکشند. خبر تصمیم رژیم جهت اعدام زانیار و لقمان و اعتراض به این عمل در سایتها و رسانه های فارسی زبان به طور وسیعی پخش شده است. در عین حال کمیته بین المللی علیه اعدام روزهای جمعه و شنبه را به عنوان روز اعتراضی علیه احکام اعدام زانیار و لقمان فراخوان داده است، ما به تمامی آزادیخواهان فراخوان میدهم که با تمام قوا در تظاهرات شرکت کنند.

سازمان میشن فری ایران نیز روز یکشنبه ۱۳ ژانویه در واشنگتن آمریکا در اعتراض به احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی اعتراضی فراخوان داده است و روزهای ۸ و ۹ ژانویه يك اعتراض تویتری را اعلام کرده و به پیش برد.

مردم آزادیخواه، خطر اعدام زانیار و لقمان هر لحظه نزدیکتر میشود، تنها راه جلوگیری از اعدام

این جوانان اعتراضات وسیع و چشمگیر ماست. ما تا حال توانستیم چندین بار جلو اعدام زانیار و لقمان و دهها نفر دیگر را با اعتراضمان بگیریم. هر جا که هستید در اعتراضات اینترنتی و خیابانی شرکت کنید، با اعضای پارلمان و اتحادیه های محل زندگیتان تماس بگیرید و از آنها بخواهید که خواهان لغو حکم اعدام زانیار و لقمان و آزادی فوری آنها بشوند. اگر در ایران هستید دست به تجمع در مقابل زندان بزنید. در اعتراض به احکام اعدام زانیار و لقمان همزمان برای چند ساعت هم که شده محل کار و تحصیلات را تعطیل کنید.

طومار حمایت از زانیار و لقمان را امضا کنید و در اعتراضات شرکت کنید. کمک کنید زانیار و لقمان مرادی از دست این جنایتکاران نجات پیدا کنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
نهم ژانویه ۲۰۱۳

"دختر هند" و طغیان علیه بردگی!



مصطفی صابر

اسمش را "دختر هند" گذاشتند. زن جوانی که در ۱۶ دسامبر به مدت دوساعت در یک اتوبوس در خیابانهای دهلی چرخانده شد و توسط ۶ مرد وحشیانه و مکرر مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفت و سرانجام پس از دو هفته بر اثر جراحات وارده جان باخت ولی آیا فریاد خشم، نفرت و اعتراضی که در سراسر هند و همچنین از گوشه و کنار جهان علیه این جنایت تکان دهنده برخاست نشان نداد که این نه فقط سرنوشت "دختر هند" که حکایت تلخ کل بشر است؟

آیا فرق اساسی وجود دارد بین کوشش های دولت و مقامات قضایی هند برای سرهم آوردن این جنایت با افتضاح مقامات محلی در اوهایو آمریکا در همین هفته قبل برای ماستمالی کردن تجاوز دو فوتبالیست به یک دختر جوان که توسط گروه "انانیمس" افشاء شد؟ ... چقدر تفاوت هست بین اظهارات برخی مقامات "بزرگترین دمکراسی دنیا" با نرینه های جمهوری اسلامی که مدتها قبل از همپالکی های هندی شان گفتند "ظاهر غربی و غیر سنتی زنان دعوتی است برای تجاوز از سوی مردان"؟

آیا جایی در دنیا سراغ دارید که هر روز به زنان تجاوز نشود؟

مورد آزار و اذیت جنسی قرار نگیرند؟ بعنوان برده سکس تن آنها خرید و فروش نشوند؟ از دست شوهر و دوست پسر و دیگر نرینه ها کتک نخورند؟ در دادگاه و سیاست و دانشگاه و کارخانه و خانواده و صحن اجتماع به این یا آن ترتیب عملاً مورد تبعیض و تحقیر قرار نگیرند؟ درست است که بعضی جاها وضع قدری بهتر است و برابری حقوقی بین زن و مرد بدرجات بدست آمده و البته صد بار شرف دارد به نقاطی مثل ایران و کشورهای اسلام زده که کل سیاست و دولت و قانون بر اساس تبعیض جنسی تعریف شده است. اما کسی میتواند منکر شود که در این قرن بیست و یک که بشر در فکر رام کردن کهکشان است بر روی زمین یک افتضاح و قهقرای نابود کننده جریان دارد که بیش از هر جنگی از بشر قربانی میگیرد، بیش از هر بیماری آدم میکشد و ناقص میکند و یکی از بزرگترین موانع سر راه انسان شدن انسان است؟

کل مدیا و آکادمی و دولتها و دستگاه مذهبی به شدت میکوشند دقیقاً همین مساله یعنی حقیقت بردگی جنسی حاکم را کتمان کنند و یا آنرا صرفاً به موضوعی حقوقی و محدود تقلیل دهند. برای مثال طی اعتراض به جنایت در هند گویا مساله فقط بر سر این بود که قوانین مربوط به تجاوز نقص دارند. (حتی ریاکارانه سعی کردند مجازات اعدام را با تکیه بر احساسات شریف مردم علیه این جنایت توجیه کنند که بعضاً جواب های دندان شکنی دریافت کردند.) مفسران گوناگون تلاش کردند که اعتراض مردم را به این تقلیل دهند که گویا مساله فقط

مربوط به "خشونت علیه زنان" و "جرائم جنسی" و کهنه بودن قوانین و سیستم قضایی هند و ممالک مشابه است. به روی مبارک نمی آورند که تجاوز و دیگر جرائم جنسی و قوانین ناقص و یا ضد زن تنها جلوه هایی از آن تبعیض و نابرابری همه جانبه و ریشه دار جنسیتی است که کل زندگی بشر امروز از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ و اخلاقیات بر آن استوار است.

بله تاریخ بشر کماکان تاریخ مبارزه طبقاتی است. اما نباید فراموش کرد که بردگی و تبعیض جنسی تاریخاً همزاد مالکیت خصوصی و شکل گیری طبقات و دولت است. تا همین امروز نیز، حتی در توسعه یافته ترین جوامع و علیرغم همه برابری حقوقی که به یمن مبارزات و تلاشهای بسیار بدست آمده، است ستم جنسی پا به پای ستم طبقاتی ادامه دارد. در واقع یک رکن جامعه متکی بر مالکیت خصوصی، است شمار و ستم طبقاتی همواره تبعیض و ستم جنسی بوده و هست. سرمایه داری امروز - از اقتصاد و تقسیم کار و تبعیض جنسی که در آن برقرار است، تا سیاست و به کار گیری حربه حمله به زنان برای سرکوب کل جامعه، از اخلاقیات نرینه سالار که وضع موجود را توجیه میکند، تا دستگاه های عریض و طویل صنعت مذهب که همه بنحو کثیفی ضد زن هستند - را نیز نمی توان بدون بردگی جنسی بدرستی فهمید و توضیح داد. در نتیجه این اتفاقی نیست که طی سی چهل گذشته که شاهد تهاجم همه جانبه راست جدید، نظم نوین جهانی، عروج اسلام سیاسی و تحمیل قهقرایی همه جانبه بر زندگی بشر بوده ایم،

یک رکن این ارتجاع و عقبگرد همانا حمله به زنان، حجاب، آپارتاید جنسی و باد زدن مذهب و ناسیونالیسم و دیگر تلقیات زن ستیز و مردسالارانه بوده است. اما روی دیگر این سکه جالب است. اگر ستم جنسی، مالکیت خصوصی، است شمار و ستم طبقاتی تاریخاً همزادند، اگر امروز بردگی مزدی و بردگی جنسی بهم تنیده اند، آنوقت مبارزه علیه این بردگی جنسی هم خواه ناخواه به مبارزه علیه کل بساط مالکیت خصوصی و است شمار، به مبارزه علیه بردگی مزدی گره میخورد. این چیزی است که بارزتر و آشکارتر از هر زمان دارد اتفاق می افتاد.

برای مثال در جریان همین اعتراض به قتل "دختر هند" در حالیکه مفسرین و رسانه میکوشیدند موضوع را حداکثر در چهارچوب حقوقی نگاه دارند در خیابان صدها گیتاریست زن و مرد ترانه "ایمچین" جان لنون را اجرا میکردند که در آن کل جهان نابرابر فعلی با مذهب و مرزها و است شمارش به چالش کشیده میشود.

اشتباه نشود، بحث بر سر کم اهمیت بودن مبارزه برای برابری حقوقی زن و مرد و تغییر قوانین زن ستیز و تبعیض آمیز نیست. هنوز دنیایی از کار در این زمینه هست. بلکه بحث اینجاست که هر اندازه در جامعه موجود بیشتر برای برابری حقوقی تلاش کنیم بیشتر با این حقیقت روبرو خواهیم شد که برای رهایی واقعی بشر، از جمله

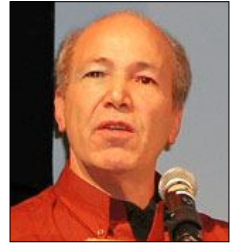
برای رهایی از این بردگی جنسی، باید کل سیستم بردگی مزدی و جامعه مبتنی بر مالکیت خصوصی و است شمار را پایین کشید.

اعتراضات مردم هند و سایر نقاط جهان علیه جنایت و تجاوز در هند از همان رنگ و بویی برخوردار بود که انقلابات و اعتراضات اجتماعی دوره اخیر برخوردار است. این رنگ و بو که مردم علیه کل دنیای وارونه حاکمیت سود و بازار و بانکها، دیکتاتورها، سیاستمداران مزور، یکه تازی صنعت مذهب و میدیای نوکر به میدان می آیند. دنیایی که یک وجه بارز آن بردگی جنسی و زن ستیزی شرم آور و غیر قابل تحمل است. همانطور که یک بعد انقلابات "تان و کرامت انسانی" در شمال آفریقا و خاورمیانه اعتراض به موقعیت زن و تبعیض جنسی است، اعتراض علیه تجاوز و موقعیت تحت ستم زن در هند در عین حال از چهارچوب مبارزه برای برابری حقوقی زن و مرد فراتر می رود و بردگی جنسی و کل سیستم و مناسبات حاکم بر زندگی امروز بشر را مورد سوال قرار میدهد. اعتراض به تجاوز و جنایت علیه "دختر هند" یکبار دیگر نشان داد که مردم، چه زن و چه مرد، فرسنگها از مدیا و آکادمی و سیاستمداران جلوترند. آنها دست به ریشه میبرند و جهانی میخواهند که در آن به هر شکل از بردگی و نابرابری و تبعیض و از جمله تبعیض جنسی پایان داده شود.* (۱۰ ژانویه ۲۰۱۳)

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

ملاله با لبخند از بیمارستان مرخص شد



کافم نیکفواه

یک خبر خوش در هفته پیش این بود که ملاله یوسفزای دختر ۱۵ ساله پاکستانی از بیمارستان آزاد شد و به خانه جدیدش در انگلستان نزد پدر و مادر و برادرانش بازگشت. ملاله زیاد احتیاج به معرفی ندارد. او یک چهره بین المللی است. جهان ملاله را بعنوان سمبل انسانیت میشناسد. او کمر به این بسته بود که از تحصیل دختران در برابر ارتجاع و تحجر اسلامی و طالبانی دفاع کند. مبارزه این

دختر جوان علیه طالبان و در دفاع از حق تحصیل زنان آنچنان موثر بود که خیلی زود نام او بر سرزبانها افتاد و خبرنگاران به سراغ او رفتند و با او که به نحو سلیسی به زبان انگلیسی سخن میگفت به گفتگو نشستند. و یک مرتبه همه کس در چهره او یک رهبر تیز هوش دفاع از حقوق زنان را دید که میدانند چه میخواهد و مصمم است برای آن تلاش کند. او بارها در تجمعات و تظاهرات در دفاع از حق تحصیل دختران شرکت کرد و سخنرانی نمود و یک خواست عمیق زنان و دختران در پاکستان را که زندگی انسانی و برابر بود به جلوی صحنه کشید. سه ماه پیش وقتی که ملاله به همراه دو تن از دوستانش با اتوبوس از مدرسه باز میگشت توسط یک تروریست طالبان از نزدیک مورد شلیک

حقایق بسیاری است. نفس این حرکت بر این حقیقت آشکار تاکید میکند که دوره ارتجاع اسلامی مدتهاست که سیری شده است. و کل این جنایات و کشتار و ترورها بیانگر همین بی ربطی به تاریخ امروز بشری است. جهان مذهب و ارتجاع را نمیخواهد. سنتهای بازمانده از دوران توحش را نمیخواهد. جهان دارد ارتجاع و تبعیض و تحجر اسلامی و مذهبی را تف میکند. حتی در همان پاکستانی که ظاهرا کثافت اسلام دارد از سروکولش بالا میروند وقتی که روزنه ای باز میشود همه کس میبینند که میلیونها نفر فریاد میزنند که از ارتجاع و عقب ماندگی خسته شدیم. بقول جوانان غزه ای "لعنت بر مذهب". طی مدتی که ملاله در بیمارستان بود از گوشه و کنار جهان صدای حمایت از او شنیده شد. تجمعات بسیاری در حمایت از او در همان پاکستان توسط زنان و دختران و مردان برپا شد.

شخصیتهای شناخته شده بسیاری به حمایت از او برخاستند. و اکنون این شخصیتها هم صدا با میلیونها نفر در جهان خواهان این هستند که به ملاله جایزه نوبل داده شود. جهان امروز جهان ملاله هاست. جهان انسانهایی که میخواهند آزاد و بدون تبعیض و خرافه و سرکوب زندگی کنند. ملاله صدای این جهان نوین است. با هم آرزو کنیم که هرچه زودتر بشریت به جایی برسد که همه کودکان و همه انسانها در فضایی شاد و مرفه و شاد و بدون تبعیض و ستمگری زندگی کنند. زنده باد ملاله! زنده باد جامعه انسانی!*

گرانی، فقر، فروش انسان

صنم از ایران

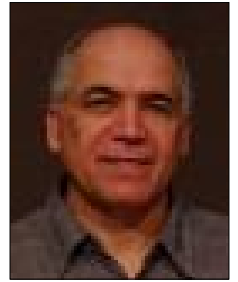
یک گزارش کوتاه از ایران برای انترناسیونال

گرانی بیشتر شده. زمزمه گرانی بعد از عید باعث شده برنج هندی که قبلا ۲۵ تومان بود در حال حاضر ۴۶ تومان هم پیدا نمی شود بعد از این نان و سیب زمینی هم دیگر نمی توانند بخورند ... دزدی ماشین زیاد شده به حدی که در اخبار استانی هم مرتب نشان می دهند برای عبرت گیری دزدان که بالاخره دستگیر می شوید زنی در همسایگی ما دختر خواهرش را به قیمت سی هزار تومان فروخته بود که آن دختر از دست مردان فرار کرده بود و آن مردان که ۳ نفر بودند اعتراض داشتند که تکلیف ۳۰ تومان ما چی میشود.



اساس سوسیالیسم انسان است!

رضا شهابی نباید به زندان برگردد



اصغر کریمی

به نقل از کارگر کمونیست ۲۴۲

خبر آزادی رضا شهابی بی اندازه خوشحالم کرد. رضا مریض است و باید در شرایط مناسبی معالجه شود. امیدوارم این فرصت را پیدا کند که با بهترین امکانات مورد معالجه قرار گیرد و بهبودیش را باز یابد. بعلاوه خوشحالم که رضا این چند روز را میتواند نزد همسر و فرزندان به سر ببرد که دو سال و نیم را بدون حضور او تحمل کرده اند. آزادی رضا را به همسرش ربابه رضائی که علاوه بر نگهداری کودکان و تامین هزینه زندگی بیشترین تلاش را برای رساندن صدای اعتراض رضا شهابی به مردم کرده است، به سایر اعضای خانواده اش، به کارگران شرکت واحد و به همه فعالین کارگری و همه آزادیخواهانی که برای آزادی او مبارزه کردند تبریک میگویم.

به رضا پنج روز مرخصی داده اند و این مرخصی حاصل کوهی از تلاش فعالین و تشکل های کارگری، احزاب و نهادهای مختلف سیاسی و فعالیت های شجاعانه خود رضا و همبندان او است. نفس این مرخصی یک پیشروی و یک موفقیت درخشان برای جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است. این حاصل یک مبارزه متحد و گسترده بود. مبارزه ای که رژیم و مقامات زندان و قضائی و غیره را تسلیم خود کرد. این حاوی درس های گرانبهائی برای جنبش کارگری و همه مردم آزادیخواه است.

اما راستی رضا چه کرده است

که باید حتی برای یک آزادی پنج روزه او خوشحال بود؟ جز اینکه از بنیانگذاران سندیکای کارگران شرکت واحد بوده و از حق و حقوق کارگران دفاع کرده است؟ آیا هیچکدام از مقامات از قاضی صلواتی تا رئیس قوه قضائیه، از لاریجانی رئیس مجلس تا احمدی نژاد و سایر مقامات حکومت میتوانند چهار سطر به مردم توضیح بدهند که واقعا جرم رضا شهابی چیست که از کار اخراج شده و به شش سال زندان محکوم شده است؟ گفته اند علییه نظام تبلیغ کرده و قصد اقدام علیه امنیت کشور داشته است، که البته



همین را هم رضا شهابی رد کرده است. میتوانند دو دقیقه و کمی بیشتر از این عبارات تبلیغ و اقدام علیه امنیت نظام توضیح بدهند که چه تبلیغی علیه نظام و قصد چه اقدامی علیه "امنیت کشور" کرده است؟ مثلاً گفته است این نظام کارگران و اکثریت مردم را به فقری غیر قابل توصیف محکوم کرده و کارگر معترض را زندانی میکند؟ یا گفته است که بیخود و بیجهت مردم را به زندان می اندازد؟ که زندانی بیحقوق است، که این نظام این حق را برای کارگر قائل نشده که علیه این وضعیت اعتصاب کند و متشکل شود؟ میتوانند بگویند چرا در زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته؟ چرا مورد توهین و بی احترامی قرار گرفته؟ میدانند که رضا شهابی اکنون چهره محبوب همه مردم ایران و چهره

کارگران زیر بار تصمیمات شورایعی کار نخواهند رفت

از صفحه ۲

میشود و بر اساس همین نرخ و استانداردهای امروز بشری است که سبب هزینه کارگر نیز تعیین میشود. به عبارت روشنتر به نسبتی که تکنولوژی رشد میکند و کارگر ثروتهای بیشتری برای جامعه تولید میکند، باید بتواند در رفاه و آسایش زندگی کند. بنابراین دستمزد کارگر باید متناسب با استانداردهای امروز زندگی بشری ارتقا یابد و میزان آن نه بر مبنای خط فقر بلکه بر اساس خط رفاه و یک زندگی انسانی باید تعیین شود.

مساله دستمزد مساله معیشت و زندگی کارگران و کل جامعه است. اکنون که پایان سال است و موعد تعیین حداقل دستمزدها است، در مجامع عمومی مان بر سر خواست افزایش دستمزدها به بحث بنشینیم و تصمیم بگیریم و با بیانیه ها و قطعنامه هایمان خواستهای خودمان را به گوش جامعه برسانیم. مقابل محل نشست شورایی عالی کارشان را به محل تجمعات خود تبدیل کنیم و خواهان جمع کردن کل این بساطشان شویم. بدین ترتیب دست شوراها را از سر راه مبارزه خود کوتاه کنیم و مبارزه ای قدرتمند و سراسری برای خواست افزایش دستمزدها را تدارک ببینیم. همچنین به تدارک تجمعات گسترده در تمام مراکز کارگری و درمیان معلمان و بخش های

آزاد کنیم. رضا شهابی و سایر فعالین کارگری زندانی و همه انسان های شریفی که به جرم حق طلبی به زندان افتاده اند شایسته بیشترین احترام و عمیق ترین حمایت هستند. آنها هیچکدام مجرم نیستند. مجرم مقامات حکومتی هستند که این شریف ترین ها را به زندان می

مختلف جامعه برویم و با جمع شدن در مقابل مجلس و ادارات کارشان خواهان افزایش فوری دستمزدهایمان شویم. باز هم تاکید میکنم که در این مبارزه کارگران مراکز کلیدی، کارگران نفت و بخش های متمرکز کارگری نقشی کلیدی دارند و این نقش رهبران و فعالین کارگری در این مراکز است که با تبدیل این مباحث به بحث مجامع عمومی کارگران، این بخش مهم و کلیدی کارگری را هر چه گسترده تر به چنین جدالی بکشاند.

سطح دستمزد کارگران یک شاخص مهم برای سطح استاندارد زندگی کل مردم در جامعه است. مستقیماً به زندگی و معیشت توده های وسیع مردم مربوط است. یک عرصه مهم مبارزه علیه فقر و فلاکتی است که کل جامعه با آن دست و پنجه نرم میکند. باید تلاش کنیم که کل جامعه را حول خواست افزایش دستمزدها و داشتن زندگی ای انسانی به میدان آوریم. تمام محلات را با این خواست و بیانیه ها و طومارهای اعتراضی علیه فقر و فلاکت به تحرك درآوریم. همه بخش های جامعه از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و جمیعت عظیم کارگران بیکار حول این خواستها متحد کنیم.

خلاصه کلام اینکه با اعتراضاتی گسترده و سراسری علیه فقر و فلاکتی که رژیم اسلامی بر کرده جامعه حاکم کرده، به میدان آییم و به این جهنم توحش و بردگی خاتمه دهیم.*

اندازند. باید به زندان و زندانی سیاسی و همینطور رژیمی که بر زندانی کردن کارگران مبارز، انسانهای شریف و آزادیخواه و مخالفین خود متکی است نقطه پایانی بگذاریم.*

۱۸ دیماه ۹۱
(۷ ژانویه ۲۰۱۳)

"استخدامهای احمدی نژادی"



محمد شکوهی

طول ۷ سال گذشته صدها هزار نفر از دولت و ارگانهای دولتی بنا بر تشخیص مراجع امور رفته اند و در نتیجه طبیعی است که جای این جمعیت باید پر شود. در مورد استخدام های فله ای دولت تا کنون نزدیک به ۷ مصوبه پیرامون استخدام های فوری و ضروری را به تصویب رسانده است.

مجلس نیز در واکنش به این استخدام های دولتی ها چندین مصوبه در مخالفت و بخشا ممنوعیت با این گونه استخدامها تصویب و برای اجرا به دولت اعلام کرده است. در همین رابطه لاریجانی رئیس مجلس رژیم به همراه باند های وابسته به بیت رهبری، استخدام های دولتی را غیرقانونی اعلام کرده و تاکید کرده اند که مجلس در برابر

ماجرای استخدام صدها هزار نفری احمدی نژاد در ارگانهای وابسته به دولت، به یک موضوع داغ کشمکش باندهای حکومتی شده است. در هفته های اخیر دولت با تصویب و به اجرا گذاشتن طرح استخدام نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر در زیر مجموعه های دولتی، اعتراض مجلسی ها را بلند تر کرده است. احمدی نژاد در این باره گفته در

این خودسریهای دولت کوتاه نخواهد آمد. احمدی نژاد تا کنون انتقادات لاریجانی را پذیرفته و به کار خودش ادامه میدهد. در تازه ترین واکنش احمدی نژاد به این انتقادات مجلسی ها، وی اعلام کرده است که در زمان حضور در مجلس در این باره توضیح خواهم داد. موضوع استخدام های دولت پرده دیگر از رویارویی و حاد شدن اختلافات دولت و مجلس می باشد که اخیر به تازگی وارد مرحله جدیدی شده است.

طرح های دولت برای استخدام های صدها هزار نفری بخشی از پروژه های باند احمدی نژاد برای تقویت و گسترش حضور باندهایش در ارگانها و وزیر مجموعه هایش در کل هرم قدرت و بویژه مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی می باشد. احمدی نژاد می داند که دولت عملا قدرت استخدام و به کار گماردن این تعداد را ندارد و این فقط برای این است که خشم و نفرت مردم را متوجه جناح

مخالف کند و بیکاری روزافزون را بگردن آنها باند "رهبر" بیندازد. تاکتیک دیگر این سیاست انتخاباتی می باشد. ارزیابی دولتی ها این است اگر چه احمدی نژاد نمی تواند کاندید بشود، ولی کاندید مورد حمایت دولت با برخورداری از حمایت های کل دولت شانس بهتری در برابر کاندید باند رقیب بدست خواهد آورد. از طرف دیگر با این کار در نظر دارد باندها و دار و دسته هایش را از لحاظ اقتصادی تامین نموده و با وارد کردن هوادارانش در مجموعه عریض و طویل دولت و ارگانهایش، پایه های "تفکر احمدی نژادی" را تقویت نماید.

در کنار جنگ و دعوای سیاسی باندهای حکومتی، جنگی به مراتب بزرگتر در عرصه اقتصاد حکومت بین باندها در جریان می باشد. باند دولت در طول هفت سال گذشته صدها هزار میلیارد تومان پول به جیب زده است. مجلس و بیت

رهبری در صد "کنترل و مهار" فعالیت های اقتصادی دولت می باشند. جنگ بر سر تصرف و دست گذاشتن بر روی بیشترین منابع مالی و درآمدهای نفتی بوده که بشدت ادامه دارد. خامنه ای و بیت رهبری هر از گاهی "تندروهای" دولت در عرصه اقتصاد را محکوم کرده در عین حال دست دولت را در خیلی از موارد فعلا باز گذاشته است. مجلس در صد "هدفمند کردن درآمدهای دولت" می باشد. مجلس با موافقت خامنه ای در صد وادار کردن دولت به ارائه درآمدها و هزینه هایش می باشد. کاری که احمدی نژاد تا کنون نکرده است. دیوان محاسبات رژیم خبر از زدیها و درآمدهای دهها میلیارد دلاری دولت و ارقام بزرگ ناپدید شده از صندوق دولت، داده است. جنگ و دعوای اقتصادی باندهای حکومتی برای بالا کشیدن

ادامه صفحه ۱۱

ناسیونالیسم پولی

یاشار سهندی

دولت فرانسه که قانون جدید مالیاتی را وضع کرد (البته هنوز نهایی نگردیده است) که بر اساس آن افرادی که درآمد سالیانه آنها از سقف یک میلیون یورو بالاتر است، ۷۵ درصد مازاد درآمد خود را به عنوان مالیات پرداخت کنند. ژرارد دوپاردیو این را حقارت آمیز خوانده و یکباره مام میهن را فراموش کرده و رفت جای که کمتر مالیات میگیرند، البته از پولدارها. از تهیدستان و کارگران همه زندگی را به وثیقه میگیرند که تن به استثمار دهند و به حقارت بارتترین شکل با ایشان رفتار میشود. این البته مختص روسیه نیست همه جای جهان به همینگونه است و یک سوی آن فقر و تحقیر و دیگر سو پول و احترام. در این ماجرا مسئله مورد بحث ما در این نوشته کوتاه چگونگی مام میهن و ناسیونالیسم است. بسیار شنیدیم و خواندیم که

موطن آدمی را در هیچ نقشه ای نشانی نیست، موطن آدمی آنجاست که میتوان با پول آنرا خرید!

به گفته رسانه ها هفته گذشته ژرارد دوپاردیو هنرپیشه غول پیکر فرانسوی، ملیت فرانسوی اش را ترک و به تابعیت روسیه تحت سلطه پوتین در آمد. پوتین به استقبال او رفت، دوپاردیو از دیدن تزار جدید روسیه به وجد آمد و او را در آغوش کشید و سر میز شام پاسپورت روسی این "مرد فرانسوی" از سوی پوتین به او "اعطا" شد. یک آپارتمان رایگان در اختیار ایشان قرار گرفت و به او پیشنهاد شده که وزیر فرهنگ یکی از استانهای روسیه گردد که البته هنوز دوپاردیو تصمیم نگرفته در کجای روسیه زندگی کند. دوپاردیو در اعتراض به

رگانش جاری نیست و خون هر ملتی قرمزترین خون عالم است. خون بیگانه را باید ریخت تا هوس تجاوز و تعدی نداشته باشند و خون خود را باید به پای میهن ریخت تا وطن سرفراز بماند. و برای سرکوب مخالفین سیاسی مشروع ترین اتهام همدستی با بیگانگان است. هر (کارگر) بیگانه ای که در این خاک مقدس کار کند و سود رساند تا ابد الدهر بیگانه است و حتی فرزندان در این خاک چشم گشوندند بیگانه محسوب میشوند. بالاخره دیر یا زود باید برود و اگر ماند همه گونه تحقیر و محرومیت را تحمل کند. اگر قتلی در گوشه ای رخ داد و فقط گمان برده شد کار بیگانه ای است باید همه بیگانگان از صغیر و کبیر مجازات شوند. باید ورودشان به پارکها قدغن شود، باید از تحصیل محروم شوند، ورودشان به هر جای از کشور مجاز نیست و باید کارت تردد بگیرند و به هر مامور وطنی رشوه بدهند که فقط از یک سوی خیابان

به آن سو بروند. باید بکارشان کشید و کم به ایشان داد یا اصلا هیچی نداد و با اولین بهانه با بدون بهانه فقط به صرف اینکه شناسنامه اش مال جای دیگری است میتوان روزگارش را سیاه کرد.

اما اگر پول داشته باشی، خودی ترین آدم روی زمین هستی. همه مرزها برویت گشوده میشود. پاسپورت حاضر و آپارتمان فراهم. به افتخارت ضیافت با دیکتاتور هم فراهم میشود. در مراسم سنتی به هئیت قدما تورا می آریند تا تو حس نکنی که غریبه ای و آنها نیز حس نمی کنند که بیگانه ای در لباس نیاکاناشان درآمده. بسیاری اشخاص در گوشه زندان به جرم رابطه با "خارجیها میپوسند" و تو خارجی پولدار از هر بومی، بومی تر هستی. پول داشته باشی میتوانی وطن را هر وقت خواستی عوض کنی و وطن قبلی ات را مانند رخت چرک به گوشه ای

ادامه صفحه ۱۲

نیش قبر امر به معروف

فرح صبری

جامعه ایران این روزها شرایط بسیار ویژه و پیچیده‌ای را می‌گذراند. برای اکثریت مردم ایران که در جهنم جمهوری اسلامی زندگی میکنند این امر مسلم است که شیرازه‌ی تصمیم‌گیری در بالائینها بهم ریخته است و به قول مردم این روزها تو این مملکت سگ صاحبش را نمیشناسد و هر ارگانی بسته به اینکه تحت امر کدام دسته و جناحی هستند رویه خودشان را پیش می‌برند. در این میان موضوع تفکیک جنسیتی از آن طرحهایی است که بر سر اجرای آن اختلاف زیادی است ولی به هرحال چون تحت امر جناح رهبرشان است با هر هزینه‌ی مالی یا اداری هم که باشد در حال پیش بردن است و ارگانهای مربوطه تکاپوی خودشان را انجام میدهند.

هر روز عناوین تازه‌ای از ارگانها و کمیته‌های تازه تاسیس به گوش میرسد که به اصطلاح می‌خواهند با یک سازماندهی جدید امورات شکست خورده و بر زمین مانده را به پیش ببرند. ستاد "احیای امر به معروف و نهی از منکر هم از همان حرفه‌است. یکی باید به این حضرات بگویند تو این ۳۴ سال حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر تان مرده بوده که ستاد "احیا" برایش درست کردید تا نهی از منکر را نیش قبر کنید؟ پس شما تا حالا مشغول چه غلطی بودید!

معاون فرهنگی ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان از تفکیک جنسیتی ۱۰ هزار کلاس در دانشگاههای استان اصفهان خبر داد. که البته همین جداسازیها باعث ایجاد مشکلات بسیار برای اساتید و دانشجویان در گرفتن واحد‌های درسی مربوطه شان

شده است و بی شک زمینه‌ی ایجاد تعارضات توده‌ای و همه گیر در سطح دانشگاهها را فراهم خواهد کرد.

همچنین حجت الاسلام ریاحی در حاشیه همایش روسای ستاد های امر به معروف و نهی از منکر شهرستان های استان اصفهان گفت: امسال طرح پوشش متحد الشکل و کاملاً اسلامی در مدارس راهنمایی و دبیرستان و دانشگاهی استان اصفهان با استناد به نقطه نظرات دانشجویان اجرا میشود. و برای پیشبرد این موضوع دو کمیته فعالیتشان را آغاز کرده اند.

البته به قول مردم کوچه و بازار جیب قبلی ها پر شده رفته اند به پست های بالاتر حالا نوبت بچه آخوند هاست که کارشان را در این کمیته های تازه تاسیس شروع کنند. اما باید گفت شما بتوانید مشکل پوشش متحد الشکل را در مدارس راهنمایی و دبیرستان حل کنید، اجرای آن در دانشگاهها پیش کش! البته توانسته اید رنگ ثابتی را به دانش آموزان تحمیل کنید ولی خودتان هم میدانید که حریف بچه های ۱۲ ساله مدارس راهنمایی هم نمیشوید. هر سال آغاز سال تحصیلی یک فرم طرح روپوش مناسب مدرسه را به دست خانواده ها میدهند و تاکید میکنند که باید همه همین طرح را تهیه کنند ولی روز اول مدرسه باید رفت تا ابتکارات بچه ها برای دوخت مانتو هایشان که از کوتاهی مثل بلوز میماند و از تنگی مثل ژاکت، را تماشا کرد. مدیر و ناظم جلو مدرسه صف میکشند و شروع به تذکر دادن میکنند والیته این تذکر ها تا آخر سال تحصیلی ادامه دارد. و در واقع اگر این حجت الاسلام در اجرای این طرح از مدارس هم نام میبرد در واقع

میخواهند عملیات "احیا" سازیشان را برای دانش آموزان هم پیاده کنند!! موضوع دیگر این همایش اجرای "فریضتین" در دانشگاه ها است که قرار گذاشته اند ماهیانه با حضور رئیس ستاد و نماینده ولی فقیه و امام جمعه و مسئولان دانشگاهها و دبیرستانهای استان مورد بررسی قرار گیرد. موضوع برگزاری فریضتین هم از همان عرصه هایی است که شدیداً احتیاج به "احیا" دارد چون دیگر حوصله همه شان سر رفته و هرچه هم فریاد میزنند که صف های نماز جماعت خالی شده است، فایده ای نداشته است!

جالب است بگویم که در مدارس دبستان و راهنمایی هم همین قصه را برای اجرا کردن "فریضتین" دارند و باید بگویم بچه های ۱۰، ۱۲ ساله را با کلی جایزه تشویق میکنند در نماز جماعت شرکت کنند، ولی بچه های کوچولوی این جامعه هم راه مقابله را با این جانپان بلد هستند. در جایی برخوردی داشتیم که بیشتر دانش آموزانی که از مدرسه بیرون میامدند دستهایشان را با مازیک و خودکار رنگی کرده بودند و وقتی دلیش را پرسیدم گفتند برای اینکه در مراسم نماز جماعت شرکت نکنند دستهایشان را رنگی میکنند که بگویند وضو نمیتوانند بگیرند و به این ترتیب از شر مسئولان برگزاری نماز در مدرسه که اجباری هم هست راحت میشوند!!!

خوب البته آقای ریاحی! بد نیست ماهی یکبار جلسه بگذارید و به این بهانه کلی لغت و لیس داشته باشید و بررسی کنید ببینید چه خاکی بر سرتان بریزید که از "فریضتین" تان چیزی باقی نمانده و کسی را با زور و تشویق و تهدید نتوانسته اید به صف نماز ببرید. ایشان در آخر هم از برگزاری دوره های آموزشی کارمندان که

البته حضور همه کارمندان در آن اجباری است، خبر میدهد و همچنین از توزیع ۲۲ سی دی تبلیغاتی طرح و گلوآژه های امر معروف و نهی از منکر در شهرستان های استان اصفهان خبر داد. و تازه بعد از همه ی این "نیش قبر" ها و عملیات "احیا سازی" چماق امر به معروف و نهی از منکر جناب ریاحی تاکید میکنند که برگزاری کرسی های "آزاد اندیشی" با موضوع امر معروف و نهی از منکر را فراموش نکنند و تمامی دانشگاهها ملزم به برگزاری کرسی های آزاد اندیشی در این باره هستند.

باید گفت مسخره ترین موجوداتی که بشریت تا به حال به خودش دیده همین جانپان اسلامی هستند که برای امر به معروف و

"استخدامهای احمدی نژادی"

از صفحه ۱۰

امروز موفقیت چندانی نداشته است. این استخدام های فله ای هیچ ربطی به شعار مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال دولت نداشته و ندارد. آئین نامه ها و قوانین استخدامی موجود به نفع دولت و به ضرر کارکنان کارکنان دولت تغییر یافته و در هیچگونه امنیت شغلی برای استخدام شوندگان احتمالی وجود ندارد. اساساً دولت و به طریق اولی کل رژیم امر و مسئله شان هیچ موقع مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال نبوده است. کل باندهای حکومتی از دولت و مجلس گرفته تا بیت رهبری کارشان سازمان دادن و مدیریت دزدیها و بالا کشیدن ثروت های جامعه در کنار تقویت دم و دستگاه عریض و طویل ماشین سرکوب و اعدام برای حفظ موجودیت کثیفش بوده است. حکومت دزدان و قاتلان را باید به زیر کشید.*

زنده باد سوسیالیسم!

بازسازی مناطق زلزله زده، از ادعا تا واقعیت!

محمد شکوئی

بیش از چهارماه از زلزله آذربایجان میگذرد و از بازسازی خبری نیست. تمام وعده های دولت و باندهای حکومتی که در مناطق زلزله زده حضور دارند، همه دروغ و الکی ازآب درآمده است. دهها هزار نفر کماکان در انتظار کمک و تامین نیازهای اولیه زندگی شان می باشند. سرما و کمبود امکانات زیستی زندگی مردم را با خطرات جدی مواجه کرده است. پیرامون وضعیت بازسازی مورد ادعای حکومت، به جدید ترین اظهارات مقامات حکومت در این باره از زبان دو نماینده مجلس رژیم توجه کنید.

اختیار مردم زلزله زده آذربایجان قرار گیرد کمتر از نصف هم تحویل مردم در این مناطق نشده است. اگر واحد های ساختمانی آماده هستند و همه آنها به افراد در مناطق زلزله زده تحویل شده چه نیازی است که ۹ هزارکانکس، هر کدام به قیمت چهارمیلیون تومان برای زلزله زدگان به این مناطق ارسال شود؟ دولت هنوز وعده تحویل چهار دست از اقلام مورد نیاز مردم مناطق زلزله زده از جمله تلویزیون، یخچال، بخاری و فرش را عملی نکرده است. در واکنش به این سخنان نمایندگان مجلس رژیم، دولت، استانداری، فرمانداری و شهرداریهای مناطق زلزله زده روایت خودشان را دارند. دولت مدعی است که بازسازی خوب پیش رفته است. بیش از ۱۳ هزار واحد مسکونی ساخته شده است. خانه های بهداشت راه اندازی شده، سوخت رایگان مردم تامین شده. گازرسانی در ۷۰ درصد مناطق زلزله زده پایان یافته بیش از ۶ هزار خانه ساکنان دائمی مناطق زلزله زده بازسازی و تحویل شده، وام های بلاعوض داده شده است و ...

لال احمر از برخی مناطق زلزله زده خارج شده اند. در توجیه این اقدامات دولت و باندهای درگیر در مناطق زلزله زده، بیگی استاندار آذربایجان شرقی که هفته گذشته در قم سخنرانی میکرد، اعلام کرد که برخی از "دشمنان نظام" در پوشش خدمات مردمی به همراه کاروانهای هلال احمر در مناطق زلزله زده مشغول "جعل اخبار و گزارشات" و ارسال به رسانه های بیگانه بودند که تعدادی دستگیر شده اند. بیگی در ادامه سخنرانی اش تاکید کرد که برای جلوگیری از "فعالیت دشمنان مردم" سپاه عاشورا مدهتاست که کنترل امنیت مناطق زلزله زده را در دست گرفته است.

مناطق زلزله زده رسماً در کنترات سپاه عاشورا می باشد. کاری که کل رژیم با تمام باندها و دار و دسته هایش در این مناطق انجام داده، امنیتی کردن منطقه، سردواندن؛ دزدیهای کلان و باند بازی است. نتیجه این وضعیت آن شده که هزاران نفر از مردم مناطق زلزله زده در بی خانمانی، فقر، بیماری، سرما و بلاتکلیفی قرار گرفته و امکان حمایت مردم از آنها گرفته شده است. بعد از گذشت ۴ ماه به اعتراف خود حکومت ۱۲ هزار خانوار هنوز سرگردانند. یعنی سرپناهی ندارند، در خانه های مخروبه و ترک خورده و ناامن زندگی می کنند. از کمترین امکانات زیستی، بهداشتی و غذایی برخوردارند. جمعیتی نزدیک به ۵۰ هزار نفر در چادرها و یا در خانه های مخروبه و یا در کانکس های بی در و پنجره زیر سرمای شدید و سوزنده زندگی می کنند. مسئول این وضعیت اسفناک در مناطق زلزله زده کل جمهوری اسلامی و باندهایش می باشد. به عبارتی جمهوری اسلامی با سیاستهای ضد انسانی اش هزاران نفر از مردم این مناطق را به مرگ تدریجی محکوم کرده است.

اینجا واکنش های مقامات دولتی و باندهای شریک و سهیم در امر بازسازی مناطق زلزله زده می باشد. آنچه در مناطق زلزله زده تحت عنوان "بازسازی" در جریان دارد، جنگ و دعوا باندها و دار و دسته های حکومتی برای گرفتن بیشترین سهم در امر "بازسازی" می باشد. بازسازی اسم رمز دیگری بر دزدیها، زد و بندها، گرفتن بیشترین سهم باندهای رژیم در این ماجرا برای سر و سامان دادن به دزدیهایشان می باشد. میلیاردها تومان کمک های اهدایی مردم را این باندها مصادره کرده اند. هزینه های مورد ادعای دولت و مجلس که قرار بود به امر بازسازی اختصاص داده شود؛ بین باندهای حکومتی که هر کدامشان در عرصه ای فعالیت می کنند، توزیع شده است. نتیجه این سیاست کثیف تحمیل بی خانمانی و بی امکاناتی برای مردم بوده که گوشه هایی از آن از زبان نمایندگان مجلس رژیم اعلام شده است. در این جنگ و دعواها سپاه عاشورا حرف اول و آخر را می زند. هر باند رژیم که خواهان سهمی در این منطقه باشد، باید با سپاه عاشورا کنار بیاید. بازسازی

ورزقان و خاروانا: ۱۲ هزار خانوار زلزله زده سرگردانند! ۲۰ روستا در مناطق زلزله زده به طور ۱۰۰ درصد تخریب شده اند و در روستاهای دور دست حداقل تخریب آنها ۲۰ درصد بوده است. طبق برآورد بنیاد مسکن باید ۲۰ هزار خانه روستایی و ۱۰ هزار خانه شهری در مناطق زلزله زده تخریب و نوسازی شود؛ طبق آمارهای به دست آمده در مناطق شهری تنها ۵ ساختمان ۱ طبقه پایان کار گرفته اند. ۲۰ هزار واحد اعلام شده، تنها ۲ هزار ۵۰۰ واحد در حد سفت کاری پیشرفت کرده اند. در خوشبینانه حالت می توان گفت در مجموع ۵ هزار واحد به مرحله گچ کاری رسیده اند. کمک بلاعوض یک میلیون تومانی به خانوارها گزینشی انجام می شود. برخی افراد در استانداری و فرمانداری برای خود پاتوق درست کرده اند و برای جمع آوری رأی برای انتخابات آینده شورا که نزدیک است، به صورت گزینشی عمل می کنند.

* نماینده مجلس رژیم از اهر و هریس: "۹ هزار و ششصد و پنجاه واحد ساختمانی که می بایست در

ناسیونالیسم پولی

از صفحه ۱۰

نسبت به اهالی آنگولا نخواهد رسید! و "حس ناسیونالیستی" آنجانیست که پولت آنجاست. "موطن آدمی را بر هیچ نقشه ای نشانی نیست/ موطن آدمی تنها در قلب کسانی است که دوستت دارند." این را شاعر میگردد. و این را اما هیچگاه نمی توان با پول خرید و این چیزی است که نه دویاردیو و نه پوتین و نه اصولاً وطن پرستان و ناسیونالیستها میتوانند درک کنند.*

پرتاب کنی. قلبت همیشه مسئول است که برای مام میهن بتپد، و میهن آنجاست که پول همانجا باشد و قلبی که با پول بتپد هر خاکی میهن اوست. گلبولهای خون رگانت هم همان زمانی که پاسپورت را میدهند به رنگ خون ملت جدیدت در می آید و خدا را چه دیدید شاید در شجره ات فامیلی تو یکی از اجداد اهل روسیه در آمد. مطمئناً هیچوقت

کمپین برای آزادی بهنام ابراهیم زاده

فراخوان ۹ نفر از زندانیان سیاسی

متن نامه ۹ زندانی سیاسی از زندان رجائی شهر:

مرخصی حق مسلم بهنام برای دیدار از جگرگوشه بیمار است

ما جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر مطلع شدیم نیما پسر ۱۴ ساله تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری که به ۵ سال حبس محکوم شده با بیماری سرطان بدخیم در بیمارستان

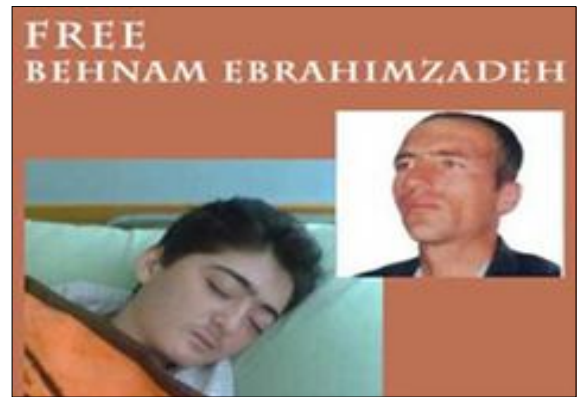
بستری شده است، پزشکان معالج نیما اعلام کردند وی از نظر روحی برای اثر بخشی معالجه بشدت نیاز دارد بهنام در کنارش باشد اما مسئولان زندان اوین با هماهنگی اداره اطلاعات از دادن مرخصی به بهنام برای دیدار فرزند دلبندش خودداری می کنند در حالیکه حتی طبق قوانین موجود این حق مسلم بهنام می باشد مخصوصا حالا که پاره تنش در شرایطی بسیار سختی بسر می

برد. ما ضمن محکوم کردن عمل غیرانسانی رژیم جمهوری اسلامی از تمامی نهاد ها و مجامع جهانی و انسانهای آزادیخواه می خواهیم به هر طریق ممکن فشارهای خود را بر حکومت در

دادن مرخصی به بهنام بیشتر کنند بهنامی که جرمش فقط دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حقوق طبقه کارگر و دفاع از کودکان کار و خیابان است، بهنام پدیرست زندانی، که سالهاست تنها فرزندش را در آغوش نگرفته و او اکنون در شرایط بسیار خطرناکی بیمار و تحت معالجات شیمی درمانی است.

امضا کنندگان:

وحید اردلانی، رضا دهقانی، افشین عنایتیان، افشین اسانلو، شاهرخ زمانی، علی جباری، فیروز منصور، میثاق یزدان نژاد، صالح کهندل
بیستم دیماه ۱۳۹۱



مردم آزادیخواه، احزاب و سازمانهای سیاسی، فعالین مدیای اجتماعی، رسانه ها، جوانان، مدافعین حقوق کودک، سازمانهای کارگری و همه نهادهای مدافع حقوق انسان در ایران و در سراسر جهان میخواهیم از این فراخوان پشتیبانی کنند و با تمام نیرو و امکاناتشان این حکومت ضد انسان را برای آزادی بهنام ابراهیم زاده تحت فشار قرار دهند.

اقدامات آتی درمورد کمپین آزادی بهنام بزودی اعلام خواهد شد.
کودکان مقدمند
کریم شاه محمدی:
۰۰۴۶۷۰۸۵۲۶۷۱۶

children-
firstnow@hotmail.com
barnen-
forst@hotmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

FreeThem-
Now2@gmail.com

کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

شیوا محبوبی
۰۰۴۷۵۷۲۳۵۶۶۶۱

freepoliticalprison-
ers2@gmail.com
www.iranpoliticalprisoners.com

۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ (۲۱ دیماه ۱۳۹۱)

۹ نفر از زندانیان سیاسی طی بیانیه ای از مردم خواسته اند به حکومت اسلامی فشار بیاورند که بهنام ابراهیم زاده آزاد شود و در کنار فرزندش نیما که متاسفانه به بیماری سرطان مبتلا شده و در وضعیت بسیار سختی به سر میبرد، باشد. جانینان اسلامی بهنام را بیش از دو سال است بدلیل دفاع از کودکان و کارگران به زندان انداخته است. نیما ۱۴ سال دارد و از ۱۱ سالگی پدرش در زندان به سر میبرد. نیما در بیمارستان بستری است اما جانینان رژیم اسلامی اجازه نمیدهند پدرش در کنارش باشد. خانواده بهنام برای تامین دارو و درمان نیما در شرایط دشواری قرار دارند. رژیم

اسلامی با اجازه ندادن به بهنام برای دیدار فرزندش نه تنها بهنام را که یک زندانی سیاسی است شکنجه میکند بلکه نیما ۱۴ ساله را نیز که چند سال اخیر کودکیش را با غم ندیدن پدرش سپری کرده است، مورد شکنجه قرار میدهد.

نگهداشتن بهنام در زندان یک جنایت بزرگ است و هر انسان شریفی را تکان میدهد. باید با یک کمپین جهانی، جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذاریم که بهنام را که تنها جرمش دفاع از حقوق کودکان و کارگران است فوراً آزاد کنند. ما از فراخوان صمیمانه و مسئولانه زندانیان سیاسی قاطعانه حمایت میکنیم و از همه

انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

موضوع:

کمونیسم در یک نقطه عطف تاریخی

بحثی درباره آغاز دوره تازه در شرایط جهانی و نقش و جایگاه کمونیسم کارگری

* گذار از "نظم نوین" جهانی به انقلابات نوین

* ویژگیهای دوره تازه و مضمون و خصوصیات انقلابات نوین

* زمینه ها و شرایط اجتماعی- اقتصادی شکلگیری

کمونیسم های غیرکارگری در دوره گذشته

* نگاهی به تاریخچه کمونیسم کارگری. زمینه های سیاسی پا

بمیدان گذاشتن کمونیسم کارگری در مقطع فروپاشی بلوک

شوروی و روند تحولات درونی کمونیسم کارگری در دو دهه

گذشته

* زمینه های رشد و عروج کمونیسم کارگری در شرایط تازه

جهانی

سخنران: حمید تقوائی

مکان: تورنتو

زمان: شنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۳

ساعت ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر

East York Civic Centre
850 Coxwell Ave.

(North West Corner of Coxwell and
Mortimore Ave.)
Chambers Room

ورودی: ۵ دلار

مسئول انجمن مارکس کانادا
محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

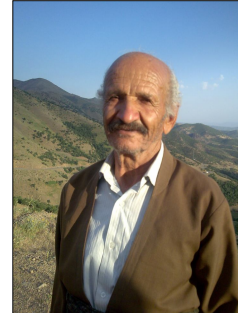
دستگیری و بازداشت سه تن از فعالین کارگری در مهاباد

خانواده بازداشت شدگان در اعتراض به دستگیر عزیزان خود دست به تجمع زدند

اطلاعیه شماره ۸۵:

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در روزهای سه شنبه ۱۹، ۱۸ و ۱۶ دیماه سه تن از فعالین کارگری و اعضای این کمیته در شهر مهاباد به اسامی یوسف آب خرابات، واحد سیده و محمد مولانایی پس از احضار به اداره اطلاعات رژیم اسلامی در این شهر دستگیر و زندانی شدند.

در همین رابطه روز ۲۰ دی ماه خانواده های کارگران بازداشت شده در مقابل اداره اطلاعات جمهوری اسلامی در شهر مهاباد تجمع کرده و خواهان آزادی فوری عزیزانشان شدند. در این تجمع



محمد مولانایی



واحد سیده



یوسف آب خرابات

اعتراضی خانواده های کارگران بازداشتی با برخورد توهین آمیز و تهدید مامورین رژیم اسلامی روبرو شدند و بالاخره زیر فشار اعتراض آنان واحد سیده توانست طی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده اش درخواست لباس نماید. بنا بر

این گزارش این کارگران هنوز در اداره اطلاعات رژیم در شهر مهاباد در بازداشت بسر میبرند. خانواده کارگران خواهان آزادی فوری عزیزان خود از زندان هستند. این دستگیری ها و فشار و تهدید دایمی بر روی فعالین

سیاسی و کارگران معترض باید فوراً متوقف شود. باید وسیعاً به تجمعات خانواده های دستگیر شدگان پیوست و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شد. یوسف آب خرابات، واحد

سیده، محمد مولانایی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، پدram نصراللهی، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۲۱ دی ۹۱، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳

شهلا دانشفر

Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش

Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

نامه واحد ساختمانی عمومی اتحادیه

ساختمان، جنگل، معدن و انرژی نیوسات ولس در اعتراض به وضعیت افشین اسانلو و دیگر کارگران زندانی به سازمان جهانی کار

در پی کمپینی جهانی در پاسخ به نامه افشین اسانلو از کارگران زندانی که از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی اعلام شده بود، واحد ساختمانی عمومی اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی نیوسات ولس با هزاران کارگران در سراسر استرالیا طی نامه ای به سازمان جهانی کار نگرانی خود را از وضعیت افشین اسانلو و دیگر رهبران کارگران اعلام دست. در بخشی از این نامه ها آمده است:

"اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی نسبت به رفتار در قبال فعالین کارگری زندانی، شکنجه آنان و تهدید خانواده های

فعالین کارگری که برای عدالت اجتماعی، شرایط بهتر کاری و حقوق پایه ای انسانی مبارزه می کنند، انزجار خود را اعلام میدارد.

ما همراه با همه کسانی که در سراسر دنیا نگرانی خود را به رفتار دولت ایران اعلام داشته اند می پیوندیم و از سازمان بین المللی کار می خواهیم که به دولت ایران برای آزادی افشین اسانلو و دیگر کارگران زندانی فشار اعمال نماید."

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۹ دی ۹۱
۹ ژانویه ۲۰۱۳
متن کامل نامه اتحادیه ساختمانی را در زیر میخوانید:

به سازمان جهانی کار

از طرف واحد ساختمانی عمومی اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی نیوسات ولس با هزاران عضو در سراسر استرالیا نگرانی عمیق خود را در مورد وضعیت کارگر زندانی افشین اسانلو و دیگر رهبران کارگران زندانی شده ابراز می داریم.

اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی نسبت به رفتار در قبال فعالین کارگری زندانی، شکنجه آنان و تهدید خانواده های فعالین کارگری که برای عدالت اجتماعی، شرایط بهتر کاری و حقوق پایه ای انسانی مبارزه می کنند، انزجار دارد.

ما همراه با همه کسانی که سراسر دنیا نگرانی را خود را به رفتار دولت ایران اعلام داشته اند می پیوندیم و از سازمان بین المللی کار می خواهیم که به دولت ایران برای آزادی افشین اسانلو و دیگر کارگران زندانی فشار اعمال نماید.

عمل غیر از این تصور از وظایف انسانی محسوب می شود.

ارادتمند شما

ریتا ملییا رئیس استان
رونوشت به:

info_leader@leader.ir
catherine.ashton@ec.europa.eu
npillay@ohchr.org
action@ohchr.org-urgent

CONSTRUCTION FORESTRY MINING AND ENERGY UNION
NEW SOUTH WALES BRANCH



24 November 2012

International Labour Organisation (ILO)

By email: info@ilo.org

Dear Sir/Madam,

On behalf of the Construction Forestry Mining and Energy Union (CFMEU), Construction and General Union, a union which has thousands of construction workers in Australia, as its members, we express our great concern in regard to the situation of your member Afshin Asanlou and the other trade unionists imprisoned in Iran.

The CFMEU opposes the treatment of trade unionists that uses those fighting for social justice, better working conditions and the recognition of basic human rights imprisoned and tortured and their families harassed.

We join with other concerned people around the world to condemn the actions of your Government and call on the International Labour Organisation (ILO) to put pressure on the government in Iran to free Afshin Asanlou and other trade unionists immediately.

To be as effective as to be as human.

Yours faithfully,

Rita Mellia

Head Office

State President

C.C. info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

info@ilo.org

freepoliticalprisoners@gmail.com

ترجمه: ارسال ناظری

همکار کمیته برای آزادی کارگران
زندانی، استرالیا

ilscaustra-lianb@optusnet.com.au

برای نجات جان زانیار و لقمان مرادی و همه محکومین به اعدام باید جنگید، اطلاعاتیه دادن کافی نیست!

نامه ای خطاب به سازمانهای سیاسی و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران سه روز است که زانیار با ارسال يك نامه به بیرون از زندان، آتش بر جان بسیاری زده است. يك جوان ۲۱ ساله، که میتواندست فرزند ما و یا دوست و عزیز ما باشد از سلول مرگ جمهوری اسلامی مینویسد که نمیخواهد آرزوهایش را با خود به زیر خاک ببرد و این اولین مورد درخواست کمک از طرف محکومین به اعدام نیست.

متاسفانه جوانان زیادی در ایران تا کنون اعدام شده اند و بیش از سه هزار نفر در انتظار اعدام هستند. جمهوری اسلامی با کلمه وحشتناک "اعدام" عجیب شده و رسماً و علناً به چوبه دار تکیه کرده است.

این يك حکومت فاشیست اسلامی است که فقط با کشتن و جنایت و تکه تکه کردن و تجاوز و بی حرمتی به جوانان زنده است. این حکومتی است که به کودکان زندانیان نیز رحم نمیکند، والدین دستگیر شدگان را زجرکش میکند، اجازه نمیدهد مادران بر مزار فرزندان دلبنده اعدام شده خود رفته و زار بزنند. این حکومتی است که با ارادل و اوباش وقیح اش نمیگذارد آب خوش از گلوئی کسی پایین برود و بویژه از فعالین سیاسی و منتقدین و مبارزین علیه حکومت انتقام میگیرد و با قتل و کشتار آنها میخواهد از مردم زهر چشم میگیرد. ناگفته پیداست که با تمام این جنایات و ردالت اسلامی مردم و همین محکومین به اعدام و زندانیان سیاسی کوتاه نیامده و حکومت بیش از همه میدانند که نفرت عظیمی در آن جامعه علیه

نمایندگان خدا وجود دارد و کشتی در هم شکسته شان هر لحظه ممکن است غرق شود. برای همه احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی و سازمانهای سیاسی که علیه این حکومت مبارزه میکنند بنا به تعریف باید يك جنبه مهم مبارزه، مقابله با این انسان کشی و در عین حال مقابله با این وسیله ایجاد وحشت در جامعه باشد.

تاریخ سی و چهار سال حاکمیت جباران اسلامی با اعدام و در عین حال مبارزه با اعدام همراه است. مردم ایران و خانواده های محکومین به اعدام مبارزه کرده و در مقابل این حکومت کوتاه نیامده اند. چه بسیار مادرانی که با قلبی هراسان و با وحشت اعدام شدن فرزندان خود در مقابل در زندانها تجمع کرده، سخنرانی کرده و علیه این جانبان اسلامی شعار داده اند. چه بسیار سازمانها و فعالین سیاسی که در ایران و در خارج علیه اعدام فعالیت کرده اند و طبعاً این مبارزه کماکان ادامه دارد.

این بار ممکن است زانیار و لقمان را اعدام کنند. دو جوان را که در يك دادگاه فرمایشی بیست دقیقه ای تصمیم گرفته اند زندگیشان را از آنها بگیرند. با ریاست قاضی مرگ در حکومت اسلامی یعنی قاضی صلواتی که از انگشتانش خون هزاران نفر از جوانان این مملکت میچکد. زانیار در حالیکه فقط ۱۷ سال داشت زیر شکنجه قرار گرفته و لقمان که تازه بیست ساله شده بود، بعد از نه ماه شکنجه و تهدید به تجاوز جنسی هر آنچه را که بازجویان وحشی و بیشرم حکومت از آنها میخواستند را امضا کرده اند و اکنون این دو جوان در آستانه اعدام قرار دارند.

چه باید کرد؟

پاسخ من اینست باید جنگید، همانگونه که مادر و پدر زانیار می جنگند. باید تصور کرد که این عزیز و جگر گوشه من است و اگر چنین بود چه میکردم؟ آیا در مورد فرزند خودم اطلاعاتیه میدادم و میرفتم سراغ کارهای دیگرم یا اینکه بهر طریق ممکن راههایی جستجو میکردم، با دیگران حرف میزدم و به خیابان میرفتم و هر آنچه در توان داشتم را انجام میدادم. و اینجا خطابم به سازمانهای سیاسی است، سازمانهایی که وظیفه خود را مبارزه با حکومت اسلامی میدانند و در این جبهه مهم مقابله با حکومت متاسفانه نه در وسط میدان بلکه در حاشیه قرار گرفته و اعلام موضع میکنند و یا حتی اینرا هم نمیکند.

من بعنوان سازمان دهنده دهها کمپین علیه اعدام و سنگسار و این بار در موضع سازمان دهنده کمپین نجات زانیار و لقمان، همین امروز به

سایتهای اکثر سازمانهای سیاسی از کردستان و یا سازمانهای ایرانی از چپ و راست سر زدم، در آنجا سکوت بود، هیچانی دیده نمیشد، برخلاف سایتهای اینترنتی، جوانان و یا فیس بوک و امکانات اجتماعی ارتباطی. پدر زانیار از صبح امروز سه شنبه ۸ ژانویه ۲۰۱۳ تا شب در حال مصاحبه کردن با رسانه های متعدد بوده و خانواده زانیار نیز میگویند بیشتر از احزاب سیاسی، جوانان و فعالین اجتماعی در این عرصه مبارزه میکنند و پاسخ درخواست زانیار را داده اند.

سوال من و همچنین سوال زانیار و لقمان و محکومین به اعدام این است چرا؟ آیا از این مهتر کاری سراغ دارید؟

برای نجات جان محکومین به اعدام باید جنگید و با چنگ و دندان مانع اجرای این جنایت شد. در این مبارزه و در این نبرد ما جان انسانها را نجات میدهیم، در مقابل قدر قدرتی حکومت اسلامی می ایستیم و يك پایه و

تکیه گاه حکومت فاشیست و ردیل اسلامی را از زیر پای حکومت کنار میکشیم. آیا از این مهتر کاری سراغ دارید؟ تا دیر شده باید جنبید و پوزه جلادان اسلامی را بخاک مالید. آیا نمیتوانیم خارج کشور را روی سرمان بگذاریم و در صد شهر میتینگ اعتراضی سازمان دهیم آیا نمیتوان در مریوان يك روز اعتصاب عمومی اعلام کرد آیا نمیتوان ...

همه اینها امکان پذیر است و ما میخواهیم چنین کنیم، از همه فعالین علیه اعدام و از هم سن و سالهای زانیار میخواهم کمک کنند که این مهم را به سرانجام برسانیم و یکبار دیگر از همه احزاب سیاسی دعوت میکنم که وارد گود شده و بیش از اینها برای نجات جان محکومین به اعدام فعالیت کنند. بر علیه اعدام بجنگند، فقط اعلام موضع نکنند!

مینا احدی

۸ ژانویه ۲۰۱۳

توجه
فرکانس بخش کانال جدید تغییر کرده است
مشخصات ماهواره هات برد ۸:
فرکانس ۱۱۶۴۲
اف ای سی ۵/۶، افقی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
شبکه kurd channel

لیست آکسیون های در خارج کشور در اعتراض به حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی

فراخوان به گردهمایی جهانی در همبستگی با کمپین جهانی

Day of Action in protest to imminent executions of Zanyar and Loghman Moradi in Iran on trumped up charges of enmity against god 11 January 2013

آلمان

فرانکفورت

Frankfurt (Germany)

جمعه ۱۱ ژانویه ساعت ۲ بعدازظهر
11 January from 2pm

مکان: مقابل کنسولگری جمهوری

اسلامی
Across from the Consulate of the Islamic Republic of Iran
Frankfurt Dornbusch Raimund St. 100

کلن

Cologne (Germany)

شنبه ۱۲ ژانویه، ساعت ۲ بعدازظهر
12 January from 2pm

مکان: مقابل کلیسای مرکزی شهر

(دم پلاته)

Across from Domplatz

فراخوان دهندگان: جمعیت دفاع از

زندانیان سیاسی ایران- کلن با

پشتیبانی جوانان و دانشجویان موج

سبز کلن

کمیته بین المللی علیه اعدام

هامبورگ

Hamburg (Germany)

تظاهرات در دفاع از زانیار و لقمان

مرادی در مقابل سرکنسولگری

جمهوری اسلامی از ساعت ۱۲ تا

۱۴

12-2pm

Bebelalle 18

مونیخ

Munich (Germany)

شنبه ۱۲ ژانویه، ساعت ۶ تا ۷ عصر

12 January, 6-7pm

فراخوان دهندگان: کانون همبستگی

ایرانیان مونیخ

مکان:

Neuhauserstr. 8

Fußgängerzone ,

München



خود را برای ما ارسال کنید.

کمپین نجات زانیار و لقمان مرادی

ترکیه

آنکارا

Ankara (Turkey)

۱۲ ژانویه ساعت ۲ بعدازظهر
12 January from 2pm

YKM مکان: میدان کیزیلاي مقابل

For more information, contact:

Mina Ahadi

International Committee

against Execution

International Committee

against Stoning

minnaahadi@gmail.com

Tel: 0049 (0) 1775692413

http://

notonemoreexecution.org

http://

stopstoningnow.com/

wpress/

تلفن تماس: ۶۴۷۲۹۸۰۴۰۹

iransolidaritytoronto@gmail.com

.com

نروژ

اسلو

Oslo (Norway)

شنبه ۱۲ ژانویه، ساعت ۱ تا ۲

بعدازظهر

مکان: مقابل سفارت جمهوری

اسلامی

12 January from 1 to 2pm

in front of Islamic

Republic's embassy

استوانگر

Stavanger (Norway)

ساعت ۱۲ ظهر در مرکز شهر

استوانگر

12pm, city centre

اطلاعات مربوط به میتینگهای

- گوتنبرگ

مالمو

Malmö (Sweden)

تظاهرات ایستاده شنبه ۱۲ ژانویه

ساعت یک و نیم بعدازظهر

12 January, 1:30pm

مکان: پل داوید هال مابین تری

انگل و میدان کوستاو آدولف

Davidhallsbron

فراخوان دهندگان: تشکیلات خارج

کشور حزب کمونیست کارگری ایران

- مالمو

تلفن تماس:

حسن صالحی ۰۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا

تورنتو

Toronto (Canada)

شنبه ۱۲ ژانویه، ساعت ۳ تا ۵

بعدازظهر

12 January 2013, 3-5pm

مکان: مقابل پلازای ایرانیان

Yonge Street, South of

Steels

فراخوان دهندگان: ایران سولیدارتی،

کانون خاوران، کمیته بین المللی

علیه اعدام، حزب کمونیست کارگری

ایران (شرق کانادا)، فدراسیون

سراسری پناهندگان ایرانی (تورنتو)

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!